



انترناسیونال ۴۱۳

اساس سوسیالیسم

انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه ۲۱ مرداد ۱۳۹۰، ۱۲ اوت ۲۰۱۱

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416 anternasional@yahoo.com

سر دبیر: کاظم نیکخواه



صدای متفاوتی از عراق

گفتگو با عصام شکری دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری چپ عراق

انترناسیونال: عصام شکری در ماههای اخیر گزارشات و اخباری از اعتراضات گسترده در عراق به گوش میرسد اما این اعتراضات پوشش رسانه ای مناسب نداشته است. ممکن است بطور خلاصه برای خوانندگان انترناسیونال توضیح دهید که تا آنجا که به خواستها و اعتراضات مردم مربوط میشود در عراق چه میگذرد؟ و عکس العمل نیروهای دولتی در رابطه با اعتراضات چیست؟
عصام شکری: جامعه عراق نیز مثل خیلی جاهای دیگر از انقلابات منطقه تاثیر و الهام گرفته است. اما عراق همه میدانند که مسائل و مشکلات متفاوتی نسبت به جوامع

دیگر منطقه دارد و به حد بی سابقه ای اسیر کشتار و ترور بوده است.

صفحه ۶



برنده جنگ بر سر حجاب ما هستیم!

کاظم نیکخواه

کمترین چیزی که در مورد حجاب میتوان گفت این است که حجاب پرچم کثیف و خونین ارتجاع مذهبی است. امروز دیگر این نقش حجاب برای همه کس در ایران آشکار و روشن و غیر قابل انکار است. حکومت عهد عتیقی اسلامی شدیداً ضد زن است و تحقیر و بی ارزش شمردن زنان هويت اساسی آنرا تشکیل میدهد. تحقیر زنان در عین حال اهرمی برای به بند کشیدن کل جامعه است. این حکومت هر گاه که میخواهد تعرضی به بخشهای مختلف مردم بکند یاد حجاب و تفکیک جنسیتی می افتد. این روزها مجدداً لشکر کف بر دهان آورده اسلام را دارند آماده میکنند تا برای تحمیل حجاب به زنان یورش آورند. وقتی که میخواهند به کارگر حمله کنند که حقوقش را نخواهد یاد حجاب می افتند. وقتی که میخواهند معلم ساکت شود یاد حجاب می افتند. کلا وقتی وحشت انقلاب کارگران و مردم وجودشان را فرا میگیرد با چماق حجاب جلو می آیند. میگویند این بار دستگیر میکنیم. این بار زندان میکنیم. این بار چنین و چنان میکنیم. اما همینکه امروز بعد از سی و چند سال تازه آخوندهای فسیل از این صحبت میکنند که "همانگونه که رضا خان زورکی چادر مردم را برداشت باید زورکی سرزنها چادر گذاشت"، خود این آیا نشان نمیدهد که زنان زجر کشیده اند و تلفات داده اند و زندان و تعرضات را چشیده اند اما حجاب این توق کثیف بندگی را نپذیرفته اند؟

صفحه ۲

تبهکار چه کسی است؟

نگاهی به شورشهای جاری در انگلیس

حمید تقوایی

شورشهای اخیر در این کشور اعلام کرد این وقایع " صاف و ساده تبهکاری است".

دیوید کامرون نخست وزیر انگلیس در محکومیت

صفحه ۲

وحشت رژیم و وعده بیمه بیکاری به جوانان

شهلا دانشفر

را داد. او گفت که این طرح مخصوص جوانان جویای کار است و میتواند به عنوان يك مسکن عمل کند. طبعاً جمهوری اسلامی کم از

روز ۱۹ مرداد رئیس کمیسیون اجتماعی جمهوری اسلامی خبر از تصویب "طرح بیمه بیکاری مخصوص جوانان" در این کمیسیون

صفحه ۸

از مانیفست جوانان غزه تا اعتراض توده ای در تل آویو

اصغر کریمی

پناهندگان فلسطینی. fuck آمریکا. ما جوانان غزه از اسرائیل، حماس، اشغال، تجاوز به حقوق بشر و بی تفاوتی جامعه بین المللی حالمان به هم می خورد!

"Fuck حماس. fuck اسرائیل. fuck الفتح. fuck سازمان ملل. fuck آژانس امداد و کار سازمان ملل برای

صفحه ۱۲

صفحات دیگر

مصاف تکاوران اسلام با دیش های ماهواره ای

بهرروز مهرآبادی، صفحه ۷

یک رکورد جدید در وقاحت

بهرروز مهرآبادی، صفحه ۲

انقلاب مصر از زبان یکی از فعالینش

حسام الحماوی

ترجمه حبیب بکتاش، صفحه ۱۱

چند خبر از اعتراضات کارگری در ایران

صفحه ۱۰

ژئوک و انقلاب در ایران

توهامات يك فیلسوف سیاسی

محسن ابراهیمی، صفحه ۹

بازتاب هفته

نگاه کوتاه به تحولات منطقه

در باره "طرح بیمه بیکاری جوانان" حکومت!

محمد شکوهی

"در شهر خبری نیست، همه چیز آرومه!"

یاشار سهندی

آغاز اعتراضات گسترده در شیلی

صفحات ۵-۴

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

تبهکار چه کسی است؟...

از صفحه ۱
(this is criminality pure and simple.)



بی بی سی و دیگر رسانه های اصلی هم دم گرفته اند که این شورشها کار دارودسته های تبهکار و ارادل و اوباش است، فیلم و عکس مغازه های غارت شده و ساختمانهای به آتش کشیده شده و گزارشهای مشروح از خشونت "ارادل و اوباش" منتشر میکنند، از ناامنی خیابانها و درهم ریختن نظم و قانون اظهار نگرانی میکنند، و حتی آنجا که از ضرورت ریشه یابی این وقایع صحبت میکنند فراموش نمیکنند بلافاصله تاکید کنند که ریشه های مساله هر چه باشد این شورشها محکوم است و باید ارادل و اوباش را سر جای خودشان نشانند، و از پلیس انتقاد میکنند که باندازه کافی قاطع عمل نکرده است!

کمدی تهوع آوری است! گوئی یکشنبه دار و دسته های جنایتکار، سارقین و دزدان و تبهکاران حرفه ای، ارادل و اوباشی که تفریحشان به آتش کشیدن است خواب نما شده اند و در محلات فقیر نشین لندن و بیرمنگام و بریستول و لیورپول و منچستر و غیره به خیابانها ریخته اند. و در این میان این پلیس مهربان و بیش از حد سلیم النفس انگلیس است که مظلوم واقع شده!

این تصویرسازی دولتی- رسانه ای بیش از حد وقیحانه و در عین حال مضحک و باسمه ای است. هر که عقل خودش را تماما بدست ماشین مهندسی افکار رسمی نداده باشد میفهمد که تبهکار نه جوانان عاصی و شورشی، بلکه دولت و نظام موجود است. تبهکار "صاف و ساده" پلیس انگلیس است که در ده سال اخیر بیش از سیصد و سی نفر را در بازداشت به قتل رسانده و حتی در یک مورد هم به کسی حساب پس نداده است. مورد آخر هم قتل مارک داگن در محله توتنهام لندن بود که شورشهای اخیر با تظاهرات مسالمت آمیز مردم در اعتراض به آن و بی اعتنائی و سکوت پلیس "مهربان و مسالمتجوی لندن" در مورد این جنایت آغاز شد. تبهکار دولتی است که با زدن از بودجه خدمات اجتماعی، فقر و بی تائینی را در جامعه گسترش داده و از جمله با قطع بورسها و وامهای تحصیلی و بالابردن شهریه ها -

مغازه ها غارت میشوند نه بخاطر اینکه سارقین حرفه ای بخیبانها ریخته اند بلکه به این دلیل که مغازه صف مقدم برخورد سرمایه با مردم نیازمند است. محلی که اشیاء مورد نیاز مردم را نه بر مبنای نیازشان بلکه بر مبنای پولشان در جامعه توزیع میکند. علت و انگیزه جوانان فقیر و محروم در "غارت" مغازه ها عملا و واقعا چیزی جز این نیست. میروند و آنچه میخواهند را بر میدارند. در یک ویدئو کلیپ روی اینترنت دو دختر که یک بطری شراب را "غارت" کرده اند میگویند "ما میخواهیم به پلیس و ثروتمندان نشان بدهیم که هر کاری بخواهیم میکنیم". شراب خواسته اند و رفته اند و برداشته اند. و با این عمل به ثروتمندان که "میتوانند چون پولش را دارند" و به پلیس حافظ این نظم نشان میدهند که پول داشتن را بعنوان پیش شرط مصرف کردن برسمیت نمیشناسند. این حرکت البته تقدس مالکیت و تمام نظم و قانونی که حول آن بهم بافته شده را در هم میشکند، صاحبان سرمایه ثروتمندان و مالکین را وحشتزده میکند، و امنیت و آرامش آنانرا بهم میریزد. اما تنها به این دلیل که کل این اصل مقدس با همه نظم و قانون و امنیت و آرامش اش تبهکارانه است. تبهکار مردمی نیستند که آنچه میخواهند بر میدارند بلکه نظام اجتماعی- اقتصادی است که خواستهای پایه ای مردم را از آنها دریغ کرده است. نظامی که حوائج انسانها را به کالا تبدیل کرده است و محصولات مورد نیاز مردم را نه در اختیار نیازمندان، بلکه در اختیار کسانی قرار میدهد که پولش را داشته باشند. تبهکار نظام سرمایه داری است.

شورشهای انگلیس از نظر خصلت ضد سرمایه دارانه شان، در کنار موج اعتراضات توده ای چندماهه اخیر در یونان و اسپانیا و پرتغال و فرانسه و اعتراضات جاری در اسرائیل و جنبش اعتراضی دانشجویان در چند ماه قبل در خود انگلیس قرار میگيرد. این تحولات در کشورهای اروپائی، مانند موج انقلابات در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، همه در تحلیل نهائی ناشی از بحران و درماندگی اقتصادی و سیاسی سرمایه داری و اشکال مختلف بروز اعتراض توده مردم محروم به وضع موجود است. اما از سرمایه دارانه این طغیان کم نمیکند.

برنده جنگ بر سر حجاب ...

از صفحه ۱



کاظم نیکخواه

جنگ بر سر حجاب يك جنگ طبقاتی است. و برنده این جنگ بطور قطع ما خواهیم بود. ما زنان و مردانی که در برابر تحجر و تعفن کپک زده و ضد انسانی عهد عتیقی، آزادی و انسانیت و آینده روشن را نمایندگی میکنیم. مفت خوران و چپاولگران و میلیاردهای حاکم، بیش از ۳۰ سال است با توحش تقلا میکنند يك جامعه را از نظر حقوق اجتماعی به عهد جاهلیت و قهقرا عقب برانند تا بتوانند بساط مفت خوری و ثروت اندوزی شان را محفوظ نگه دارند. حجاب سمبل بردگی زنان است و بردگی زنان گام اصلی در بردگی کل کارگران و کل جامعه است. برای اینها مهم است که هر زنی يك پرچم سیاه اسلام را روی خود بکشد تا قدرقدرتی حکومت را هر لحظه در کوچه و خیابان به همگان یادآور شود. آن کودکانی که مبارزه طبقاتی را از مبارزه زنان و مردان علیه حجاب و جدا سازی جنسیتی جدا و تفکیک میکنند، اگر ریگی در کفش نداشته باشند فهمشان از این جامعه شدیداً معیوب و محدود است.

رجز خوانی علیه زنان و برای تحمیل حجاب به زنان، فی الحال پاسخ خود را گرفته است. اما میتوان با قاطعیت گفت که پاسخ محکمتری و قاطع تری را خواهد گرفت. این جامعه دارد با صدای رسا اعلام میکند که زیر بار نخواهد رفت. به تحقیر و توهین رضایت نخواهد داد. زجر و شکنجه و اعدام و زندان یعنی کل "زوری" که حاکمان داشته اند نتوانسته است قهقراي اجتماعی را به

زنان و مردم این جامعه تحمیل کند. و برعکس امروز این ایستادگی جانانه زنان و کل مردم علیه حجاب و تفکیک جنسیتی است که در صفوف حکومت اسلامی سرمایه داران پژواک می یابد و آنها را بیش از پیش به جان هم می اندازد. حتی چهره های معلوم الحالی نظیر احمدی نژاد و شرکا صدایشان در می آید که نباید این اقدامات "سطحی و غیر عالمانه" را ادامه داد. و به هذیان گوئی می افتند که "تفکیک جنسیتی نداریم اما دختران و پسران باید از هم جدا بنشینند!" و میگویند "طرح تفکیک جنسیتی ۲۴ سال است روی زمین مانده است".

تاریخ خونبار سی ساله جنگ و کشاکش بر سر حجاب این را بروشنی تاکید میکند که میتوانیم کمر این حکومت وحشی و عقب مانده را از همینجا بشکنیم و خواهیم شکست. میتوانند جنایت کنند و زندان و شکنجه و تعرضاتشان را ادامه دهند. میتوانند باز هم "زورشان" را بیازمایند. اما زنان ایران سر تسلیم ندارند. هرروز دارند این را نشان میدهند. هرروز دارند پرچم این حکومت را زیر پا له میکنند. در برابر چشمان همان لشکر کثیف اوباش سیاه پوش و مسلح حکومت کار را به جایی رسانده اند که هر روز ناچارند از بی حجابی زنان بنالند و کابوس ببینند.

با قاطعیت میگوئیم که حکومت اسلامی سرمایه دارن و مفتخوران در این زمینه محکوم به شکست کامل است. این را جنبش زنان و کلا جنبش آزادیخواهی در ایران تضمین میکند. هر معجزه ای از این حکومت ساخته باشد یکی را نمیتواند عملی کند. این جامعه بطور قطع يك روز که چندان دور نخواهد بود حجاب و کل سیاست تفکیک جنسیتی را يك پارچه و هماهنگ دور خواهد انداخت و فریاد خواهد زد "آزادی زنان آزادی جامعه است" و آنرا عملی خواهد کرد.*



یک رکورد جدید در وقاحت



بهروز مهرآبادی

پلیس انگلیس در برخورد با تظاهر کنندگان شد و از دولت انگلیس خواست تا با تظاهر کنندگان باب گفتگو را باز کند. حسین ابراهیمی عضو کمیسیون سیاست خارجی مجلس اسلامی هم آمادگی مجلس را برای ارسال يك هیئت به بریتانیا به منظور نقض حقوق بشر در این کشور اعلام کرد.

واقعا دقت کنید! خویشتنداری! رسیدگی به مردم! باز کردن باب گفتگو! اینها را چه کسانی دارند میگویند؟ در فرهنگ های مختلف عبارات، ضرب المثل ها و اشعار مختلفی در مورد وقاحت وجود دارد، اما بعید بنظر می رسد در میان آنها چیزی پیدا کرد که بتواند در خور سران جمهوری اسلامی باشد. همانطور که واژه های شقاوت و جنایت برای توصیف خصوصیات و اعمال آنها کفایت نمی کند. سران یکی از سفکات ترین حکومت های جهان درس اخلاق می دهد. رژیمی که بیش از صد هزار نفر را اعدام کرده و به نسبت جمعیت کشور بالاترین آمار اعدام را در جهان دارد. در همین دو سال اخیر چندین تظاهرات بزرگ را در تهران و شهرهای دیگر به خون کشیده، صدها اعتصاب کارگری را سرکوب کرده، میلیونها نفر

را زندانی و شکنجه کرده است و پرونده های متعدد ترور مخالفان در داخل و خارج از ایران را دارد. سران چنین حکومتی می خواهند به سایرین درس گفتگو با مخالفان و رعایت حقوق بشر بدهند.

اگر تاریخ به ۲۰۰ سال قبل بر می گشت و جنبش کارگری جامعه انگلیس را دگرگون نمی کرد و دست و پای سلطنت و طبقه حاکم آن کشور را نمی بست، بدون شك آنها هم در مقابل تظاهرات مردم به شیوه جمهوری اسلامی عمل می کردند. جنایات پلیس این کشور دارد این را نشان میدهد که اینها اگر دستشان باز بود شاید دست کمی از هم پالکی هایشان در ایران نداشتند. اما جهان متمددن امروز اجازه چنین کاری به دولت انگلیس نمی دهد همچنانکه رژیم جمهوری اسلامی را در افکار عمومی مردم جهان منفور و در مجامع بین المللی بیش از هر زمانی منزوی ساخته است. اما شاید اگر دولت انگلیس به توصیه سردار نقدی رئیس سازمان بسیج مستضعفین عمل کند ضرر نخواهد کرد. سردار نقدی اظهار آمادگی کرده است تعدادی از گردان های عاشورا و الزهرا را به عنوان نیروی پاسدار صلح به لندن و منچستر و

راست بورژوازی به شعار "نظم و قانون" جامعه را به صلابه میکشند. هر چه اعتراضات توده ای سازمان یافته تر و شفاف تر باشد و با اعلام خواستها و شعارهای شفاف و روشن بمیدان بیاد بهمان درجه زمینه رشد چپ و نقد و اعتراض کمونیستی و وضعیت موجود در میان توده ناراضی مردم بیشتر فراهم میشود و برعکس هر چه این اعتراضات به عصیان و شورش کور نزدیک تر باشد زمینه رشد راست افراطی بیشتر میشود. شورشیهای اخیر در انگلیس از این نوع دوم است. در این شرایط وظیفه نیروهای کمونیست نشان دادن ریشه های این خشم و عصیان توده ای، برجسته کردن مضمون و خصلت ضد سرمایه دارانه این حرکت، و مقابله با اقدامات و تبلیغات دولت و رسانه ها علیه مردم عاصی است. در پیشبرد این وظیفه کمونیستها جنبشهای اعتراضی کارگران و دانشجویان در کشورهای دیگر اروپائی و موج انقلابی که در خاورمیانه سر باز ایستادن ندارد را در کنار خود دارند.*

تبهکار چه کسی است؟...

از صفحه ۲

آنرا سرکوب کنند (آنچه فی الحال دولت انگلیس مشغول آنست) بلکه این شرایط حتی به احزاب راست افراطی و شبه فاشیست امکان میدهد بعنوان پاسداران نظم و قانون عرض اندام کنند. اخیرا رهبر يك گروه راست افراطی به اسم "لیگ دفاع از انگلیس"، یکی از سازمانهایی که فاشیست نروژی آندرس بریویک در مانیفستش بعنوان يك منبع الهام بخش از آن یاد میکند، در مصاحبه با آسوشیتد پرس اعلام داشته که پلیس انگلیس قادر به کنترل اوضاع نیست و قرار است هزار نفر از اعضای این سازمان برای تامین نظم به خیابانها اعزام بشوند. این يك حالت کلاسیک برخورد بورژوازی به بحران اقتصادی و "نا آرامیهای" سیاسی و اجتماعی پیامد آنست. دوره بحران دوره احزاب میانی و پارلمان و سیاستهای متعارف نیست. یا باید طبقه کارگر با حزب و برنامه و پرچم طبقاتی خود بمیدان بیاید و جامعه را حول نقد سوسیالیستی به نظم سرمایه بسیج کند و یا نیروهای فوق

نقطه نظر شکل بروز، شورشیهای جاری در انگلیس همتر از و هم ارز اعتراضات دیگر نیست، شکل بدوی تر و خام تری است. در این مورد ما با شعارها و خواستهای مشخص اعلام شده، و با اعتصابات کارگری و تظاهرات خیابانی و یا تصرف و چادر زدن در میدانها و غیره مواجه نیستیم، بلکه با فوران خشم مردم روبروئیم که گرچه اعتراض ریشه ای به پایه های نظم سرمایه را به نمایش میگذارد اما مثل هر عصیان و طغیان دیگری خام، نامتعیین و بی هدف است. طغیانی که، مانند عصیان کارگرانی که در اوایل قرن نوزده ماشینها را درهم میکشستند، قالب سیاسی بخود نمیپذیرد و شعار و مطالبه و هدفی اعلام نمیکند. چنین به نظر میرسد که عده ای صرفا میخواهند جامعه را به هم بریزند و این نقطه ضعفی است که نه تنها به دولت و احزاب دولتی بورژوائی و رسانه هایشان امکان میدهد تا افکار عمومی جامعه را علیه این حرکت بسیج کنند و از يك موضع حق بجانب

موزیک مستهجن و عدم رعایت شئون اسلامی لت و پار کرده و یا دستگیر نموده و تحویل قاضی شرع می دهند تا به اشد مجازات محکوم نمایند. در زبان فارسی ضرب المثل های زیادی برای میزان وقاحت اشخاص وجود دارد اما در مورد سران جمهوری اسلامی شاید بشود گفت که سنگ پای قزوین در مقابل آنها از خجالت خیس عرق می شود.*

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

کمک مالی خود را میتوانید آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفا قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است:

<http://www.countmein-iran.com>

سوئد:

Sweden, Post Giro: 639 60 60-3
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

آلمان:

583657502 Germany, Rosa Mai, Konto. Nr.:

Bankleitzahl: 37010050, Post Bank

کانادا:

Scotiabank Canada, ICRC

Dixie Rd, Mississauga, L4W 2R1 4900

Account #: 84392 00269 13

هلند:

Bank: RABOBANK, Darande hesab: FVIVN

Shomare hesab: 15 13 50 248

Adres: EINDHOVEN

IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:

Bank of America

277 G Street, Blaine, Wa 98230

phone # 1-360-332-5711, Masoud Azarnoush

Account number : 99 - 41581083

wire: ABA routing # 026009593

swift code : BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England, Account nr. 45477981

sort code: 60-24-23, account holder: WPI

, Bank: NatWest branch: Wood Green

81 4779 IBAN: GB77 NWBK 6024 2345

NWBK GB 2L BIC:

سوالی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا: سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

کانادا و آمریکا: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷

مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶

از ایران: عبدل گلپریان ۰۰۳۵۸۰۵۷۵۸۲۵۰

تلفن تماس با حزب در خارج از کشور

خلیل کیوان، دبیر کمیته خارج ۰۰۴۶۷۰۴۱۵۸۹۹۹

تلفن تماس با حزب از ایران

شهلا دانشفر: دبیر کمیته سازمانده ۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

آدرس پستی:

I.K.K, Box: 2110, 127 02 Skärholmen - Sweden

بازتاب هفته

نگاه کوتاه به تحولات منطقه



محمد شکوهی

سوریه: اعتراضات ادامه دارد

در هفته ای که گذشت رژیم سوریه به اقدامات سرکوبگرانه اش بر علیه اعتراضات مردم ادامه داد. مرکز اصلی حملات ارتش شهرهای دیرالزور، حماه و حمص بود. این سه شهر در هفته های گذشته شاهد بزرگترین تظاهرات بر علیه رژیم اسد بودند. روز یکشنبه ۷ اوت تانک ها و نیروهای ارتش بعد از محاصره چندین روز شهرهای دیرالزور، حمص و حماه، حملات گسترده ای را برای سرکوب انقلاب مردم در این دو شهر آغاز کرده اند. تا آذرروز دوشنبه بیش از ۴۰ نفر در حماه و ۱۰ نفر در دیرالزور کشته شده اند. روز چهارشنبه در شهر حمص نیز ۱۱ نفر از مردم توسط نیروهای امنیتی کشته شدند. مزدوران حرفه ای به همراه قبایل و سران عشایر هوادار رژیم اسد حملاتشان بر علیه مردم انقلابی را با حمایت ارتش ادامه می دهند.

عصر روز دوشنبه ۸ اوت دیده بان حقوق بشر سوریه اعلام کرد ۸ نفر از معترضان از جمله معن العودات فعال حقوق بشر در شهر درعا و همچنین ۵ نفر دیگر در دیرالزور کشته شدند. در این روز قرار بود مراسم خاکسپاری کشته شدگان روز یکشنبه قبل برگزار شود. همزمان با آغاز این مراسم ارتش و نیروهای امنیتی به مراسم خاکسپاری حمله کرده و تعدادی را کشته و زخمی نمودند. همچنین نیروهای امنیتی به شهر "معره النعمان" در استان ادلب در شمال غرب این کشور حمله کرده و اقدام به دستگیریهای گسترده مردم کرده اند. روز سه شنبه ۹ اوت ارتش و تانک ها به شهر «بنش» در مرز ترکیه وارد شدند. به گزارش رویترز به نقل از شاهدان عینی نیروهای امنیتی محلات شهر را یکی پس از دیگری محاصره کرده و اقدام به دستگیری معترضان می کنند. اما اعتراضات

مردم و مقاومتها ادامه دارد.

همزمان با کشتار مردم و جنایات ارتش و رژیم سوریه و مقاومت های مردم در مقابل آن، موجب شد تا واکنش های جهانی به سرکوب ها نیز افزایش یابد. دولت آمریکا ضمن محکوم کردن کشتار مردم، تحریمهای جدیدی را بر علیه رژیم سوریه وضع کرد. کشورهای عضو شورای همکاری خلیج از دولت سوریه خواستند تا کشتار مردم را پایان بدهد. کشورهای کویت، عربستان و قطر سفیرانشان را در اعتراض به سیاستهای سرکوبگرانه رژیم اسد، از این کشور فراخوانده اند. هفته گذشته تلاش های دیپلماتیک ترکیه برای قانع کردن اسد به اجرای اصلاحات و پایان دادن به سرکوب مردم نیز ادامه داشته است. رژیم اسد در واکنش به محکومیت های جهانی عصر روز سه شنبه از تلویزیون دولتی اعلام کرد که دولت وی جنگ با "تروریستها" را ادامه خواهد داد. اما بنا به گزارشها ارتش سوریه بعد از این موضعگیری، شهر حمص را تخلیه کردند و از این شهر عقب نشستند. بر اساس آخرین اخبار و گزارشات منتشر شده از زمان آغاز انقلاب مردم سوریه بر علیه رژیم اسد از پنج ماه پیش، نزدیک به ۲ هزار نفر کشته، بیش از ۱۳ هزار نفر دستگیر و ۳۰۰۰ نفر مفقود شده اند.

مصر: فراخوان به تظاهرات در ۱۲ اوت

پس از آنکه هفته گذشته گروههای اسلامی اقدام به قدرت نمایی در میدان التحرير قاهره کردند، احزاب و جریانات هوادار انقلاب مصر، متشکل از جریانات غیراسلامی و سکولار و چپ و جنبش های اجتماعی مختلف برای روز جمعه ۱۲ اوت، فراخوان تظاهرات در میدان التحرير را داده اند. این تجمع با شعار "وحدت عاشقان انقلاب مصر" برگزار می شود. در همین رابطه جنبش هواداران انقلاب مصر بعد از برگزاری کنفرانس مطبوعاتی روز شنبه گذشته با صدور اطلاعیه ای فراخوان تظاهرات را اعلام کرد. در بخشی از اطلاعیه آمده است: دولت مدنی بر اساس حاکمیت قانون و احترام به همه آزادی های سیاسی می باشد. هواداران انقلاب مصر با هر گونه تلاش برای کشیدن دین به فعالیت

های سیاسی از طریق تحریک احساسات توده ها مخالف هستند. مصر در درجه نخست کشور همه شهروندان به دور از تبعیض نژادی، مذهبی و جنسیتی است. در همین حال فعالان و سازماندهندگان این اعتراض معتقد هستند که تظاهرات جمعه آتی قدرت نمایی این جنبش در برابر تحركات جریانات اسلامی خواهد شد.

لیبی: جنگ ادامه دارد!

جنگ مخالفان دولت لیبی بعد از چند هفته فروکش دوباره از سر گرفته شد. از روز شنبه نیروهای مخالف قذافی حملات جدیدی را بر علیه مواضع نیروهای وفادار به قذافی آغاز کرده اند. مخالفان موفق شده اند شهر بئرالغتم در ۸۰ کیلومتری طرابلس پایتخت این کشور را تصرف نمایند. همزمان درگیریها در شهر الزاویه در ۴۰ کیلومتری غرب طرابلس ادامه دارد. جبهه اصلی جنگ در اطراف شهر بریقه می باشد. مخالفان می گویند که از روز شنبه گذشته حملات گسترده ای را بر علیه نیروهای قذافی در شهر بریقه و اطراف آن آغاز کرده اند. شهر بریقه به این دلیل که بندرگاهی استراتژیک برای انتقال و صدور نفت خام بوده و یکی از پالایشگاههای نفتی لیبی در آنجا مستقر است، برای شورشیان از اهمیت بسیاری برخوردار است. در همین حال بمبارانهای ناتو ادامه دارد. عصر روز سه شنبه دولت قذافی مدعی شده که ناتو یک دهکده را بمباران کرده که در جریان آن بیش از ۷۰ نفر از مردم غیر نظامی کشته شده اند. دختر معمر قذافی با اعلام اینکه "مخالفان باید از تیرهای برق آویزان شوند تا عبرتی برای سایرین شود" میزان توحش رژیم قذافی را در حمله به مردم اعلام کرده است.

یمن: تظاهرات موافقان و

موافقان رژیم

تظاهرات موافقان و مخالفان و موافقان رژیم در شهرهای صنعا و تعز یمن ادامه دارد. در این میان دیکتاتور فراری یمن که در عربستان به سر می برد با صدور اطلاعیه ای از مخالفان خواسته است که در ماه رمضان اعتراضات را ادامه ندهند. در همین حال تحركات جریانات اسلامی از القاعده گرفته تا جریانات شیعی برای زیر کنترل در آوردن اعتراضات مردم بر علیه حکومت ادامه دارد.

در باره "طرح بیمه بیکاری

جوانان "حکومت!

اخیرا در کمیسیون اجتماعی مجلس رژیم صحبت از طرح "بیمه بیکاری" برای جوانان شده و گویا طرحی هم تهیه شده که در این کمیسیون بررسی شده و قرار است هفته آینده در کمیسیون اجتماعی مجلس تصویب و برای تصویب نهایی در مجلس مورد بحث و بررسی قرار بگیرد. در رابطه با این طرح یکی از نمایندگان مجلس می گوید: آن دسته از جوانانی که براساس برنامه های اشتغال سازی دولت نمی توانند مشغول به کار شوند، تحت پوشش این طرح و قانونی به نام قانون بیمه بیکاری قرار می گیرند و حقوق دریافت می کنند. در صورتی افراد تحت پوشش این طرح قرار می گیرند که به عنوان جوانان جویای کار واجد شرایط باشند. با اجرای این طرح دریافت حقوق ماهانه حداکثر تا دو سال ادامه خواهد داشت و زمانی که این افراد توانستند شاغل شوند پول داده شده طی ۵۰ قسط پس گرفته می شود. افرادی که از گذشته وام دریافت کرده اند و یا از موقعیت های مختلف بهره مند شده اند، نمی توانند زیر پوشش این طرح قرار بگیرند. در مورد مبلغ و میزان دریافتی واجدین شرایط بیمه بیکاری جوانان، مجلس سقف ۳۰۰ هزار تومان برای دو سال را در نظر دارد. وی در پایان تاکید کرده که با "اجرای این طرح آمار واقعی بیکاری هم در کشور مشخص می شود"

در مورد دلایل، اهداف و سیاستهای حکومت از پرداختن به "معضل بیکاری" و تقلاهایش برای پیدا کردن راههایی برای کاهش بیکاری، در بالای حکومت و ارگانها و دار و دسته های گوناگونش، مدتهاست که بحثهای داغی جریان دارد. محور اصلی این مباحث نگرانی و در واقع وحشت از گسترش فقر و فلاکت، و به حرکت در آمدن لشکر میلیونی بیکاران است که خود حکومت چند سال پیش با عنوان "شورش گرسنگان" از آن یاد کرد. اینکه حکومت امروز مجبور شده امر بیکاری جوانان و بویژه طرح پرداخت بیمه بیکاری جوانان را در حرف هم که شده در دستور خود

بگذارد، بخودی خود بیانگر ابعاد گسترده بیکاری و فقر و فلاکت و بخشا بی افقی و بی برنامهگی حکومت در فراهم آوردن زمینه های اشتغال می باشد. خودشان رسماً اعلام کرده اند که آمار دقیق بیکاران را ندارند. از ۱۶ درصد تا ۳۴ درصد آمار بیکاری است که دار و دسته ها و باندهای حکومتی ارائه داده و می دهند. خود سخنگوی کمیسیون اجتماعی مجلس در معرفی این طرح می گوید: "با اجرای این طرح آمار واقعی بیکاران مشخص خواهد شد". اینکه این طرح اصلاً به مرحله

تصویب برسد زیر سوال است چه رسد به اینکه بخواهد عملی شود و تازه بتواند مشکلی از مشکل بیکاری را در این دریای بیکاری و ورشکستگی اقتصادی حل کند. سیاستهای اشتغال زایی، فنوای های رهبری در مورد اشتغال و "جهاد اقتصادی"، ادعاهای ایجاد اشتغال های میلیونی، در کنار دهها وعده و وعید دولت و حکومت در طول این سالها بهیچ وجه نتوانسته مشکل و معضل بیکاری را تخفیف دهد. آنچه روی داده برعکس افزایش سریع بیکاری بوده است. دقیقاً همینجاست که بخش هایی از حکومت با استفاده از این اوضاع و احوال و فقر و فلاکتی که بر مردم و بویژه جوانان تحمیل کرده اند، در صدد بهره برداری سیاسی به نفع باند های حکومتی و دولتی ها بر آمده اند. احمدی نژاد مثلاً می خواست با طرح یارانه ها "قدرت خرید" مردم را بالا ببرد، امروز می گویند که پرداخت یارانه گرانی را بالای ۷۰ درصد برده. بیش از ۵ سال است که ادعا می کنند هر سال بیش از یک میلیون شغل ایجاد کرده اند ولی آمار بیکاران به جای درصد شاعران بالا رفته است. شعار محوری احمدی نژاد و خامنه ای از سال ۸۴ به این طرف ایجاد اشتغال است. امروز خودشان اعتراف می کنند که طرح های اشتغال زایی، از طرح بنگاههای زود بازده تا اشتغال خود اشتغالی، همه و همه بی فایده بوده است. طرح بیمه بیکاری جوانان قبل از آنکه طرحی برای رفع مشکلات نیروی جوان جویای کار باشد، طرحی با اهداف سیاسی

صفحه ۵

انترناسیونال

را بخوانید و وسیعاً تکثیر و پخش کنید

بازتاب هفته

"در شهر خبری نیست، همه چیز آرومه!"

یا شار سهندی

زبانۀ "شورش گرسنگان" به شهر لندن نیز کشیده شد و معلوم شده فاصله طبقاتی چنان شدید است که به بهانه ای شهر به آتش کشیده میشود. هنوز چند ماهی بیشتر نگذشته است که شاهد بودیم عروسی نوه ملکه با چه دبدبه و کیکبه ای برقرار شد. رسانه ها چنان گزارش کردند که گویی مردم بخصوص در شهر لندن هیچ دغدغه ای ندارند الا دیدن عروس و داماد و مخصوصا لباس عروس! گفتند این عروسی برای آرامش جامعه لازم است، ایشان لابد خبر داشتند در اعماق جامعه چه میگردد. البته چنان نشان دادند و گفتند گویی "همه چیز آرومه" این عروسی برای آرامش بیشتر و بیشتر جامعه است. در همین راستا چند هفته پیش بود که شهردار لندن در حضور "مقامات عالیترتبه ورزشی و سیاسی" و جمعی از مردم که بی بی سی میگفت صد ها هزار نفر میشوند، (البته ما در تصویر چیزی ندیدیم!) با شوخ طبعی و مزه پراکنی گفت: شهر لندن آماده برگزاری المپیک است حتی همین امروز ولی کسی خبر ندارد! بی بی سی در هر دو مورد برنامه ویژه داشت و در مورد المپیک که خبرنگارانش سعی بسیار میکردند با زور خودشان را هیجان زده نشان دهند شاید من بیننده هم به وجد آیم تا شاید یادم برود برای رفع مشکلات باید کاری کنم. اینها همه در پوشش "بی طرفی" این رسانه انجام میشد و میشود. این همه در بخش فارسی بی بی سی بود، بخش انگلیسی آن چکار می کند خدا میداند. اما مسلم است آن بخش هم مدعی است مستقل است هر چند دولت بوجه آترا میدهد اما تره هم برای دولت خرد نمی کند! بقول صادق صبا رئیس بخش فارسی این رادیو فقط به منشور که خود نوشته وفادار است و لا غیر. این را دیگر ما عالم هستیم و این را بی بی سی در این چند روز بیشتر از پیش ثابت کرد که آن منشور کذایی را نیز دولت نوشته است. از وقتی ما خاطرمان است و فکر کنم از همان ابتدای شکل گیری رادیو بی بی سی بخش فارسی زبان آن (بهرحال ما با این بخش آن آشنا هستیم) دست اندرکاران این رادیو

تاکید کردند که این رادیویی است مستقل، به خیر و شر هیچ خبری کار ندارند الا اینکه چند منبع مستقل وموثق آن را تایید کند. این چند منبع موثق و مستقل کی هستند و چی میخواهند هیچ وقت مشخص نشده است و فکر کنم اگر تا روز قیامت هم این رادیو برقرار باشد این رادیو منابع خبری اش مستقل وموثق اش را افشا نخواهد کرد. این شاید در آن منشور قید شده است. بهرحال، در بی شورش در لندن رادیو بی بی سی بالطبع نمی توانست ساکت بماند، شورش را به گروهی جوان در بهترین حالت طغیان زده نسبت داد یا به زبان نخست وزیر انگلستان "جنایتکاران"؛ اما حرف اصلی اش همان بود که رسانه های جمهوری اسلامی در مورد مردم بکار میسرنند "اراذل و اوباش". شورش از محلات به گفته خود بی بی سی فقیر نشین این شهر شروع شد و گویا این طبیعی بود (و من به عنوان یک بیننده و شنونده این رادیو تا روز شورش نمیدانستم که لندن "محلات محروم" هم دارد!) اما چیزی که بورژوازی حاکم بر لندن را وحشت زده کرد این بود که سریعاً تمام شهر را در برگرفت و به شهرهای دیگر هم کشیده شد. در برنامه خبری دوشنبه شب این رادیو در مصاحبه با یک "شاهد عینی وقایع" در یکی از محلات که شورش در آن واقع شده بود به گفتگوشست. مجری برنامه خبلی سعی کرد از دهان یک "منبع معتبر" این حرف را بیرون بکشد که: درست است پلیس بد کرده اما دلیل نداشته که چنین شورش به پا شود، "نویسنده ایرانی" ساکن محله "هکنی" گفت: همه اینها نتیجه رفتار توهین و تحقیری است که پلیس با مردم محروم این مناطق دارد. "قاضی ربیحاوی" نویسنده مذکور تاکید کرد: که در این محلات فقر پیداد میکند و پلیس هم هیچ زبانی جز زور گویی و تحقیر مردم بلد نیست. (نقل به معنی) مصاحبه تمام شد. یک گزارش از وقایع پخش شد. در لحظه ای مسئولین فنی بی بی سی فارسی یادش رفت که صدای مجری را قطع کند (شاید هم دستی در کار بوده!) مجری گویا داشت به کسی جواب پس میداد ایشان میگفت: "قاضی" (یعنی نویسنده مزبور) خوب گفت، مشکلی نداشت!... "صدا قطع شد. و همین یک جمله ناقص به خوبی گویا است که

چقدر این رسانه بی طرف است. این رسانه مدام تاکید میکند قضاوت با بینندگان است و ایشان فقط خبر را بخش میکند اما همین یک جمله کافی بود تا نشان دهد که این رسانه چقدر بی طرف است. باید پرسید معیار خوب و بد بودن نظر یک مصاحبه شونده از نظر بی بی سی چیست؟ چرا بلافاصله مجری مورد استنطاق قرار گرفته که این چنین جواب میدهد؟ مگر مجری یک رسانه بی طرف کارش قضاوت کردن است؟ مگر این رسانه قرار نبود به خیر و شر خبر کار نداشته باشد الا مثلاً "مهم بودن" آن... و بسیار سوالات دیگر.

واقعیت این است که این رسانه بی طرف نیست و اصولاً رسانه بیطرف کاملاً بی معنی است و ما بارها بر آن تاکید کرده ایم. در مورد شورش جوانان در لندن هر بار که خبرنگاران و مجریان بی بی سی در مورد آن گزارش میکنند، تاکید میکنند که: "نگاه کنید یک ساختمان ۸۰ ساله سوخت. وای خدای من این ساختمان از زمان ملکه ویکتوریا قدمت داشت. پلیس بد کرده درست، اما جوانان هم باید جلو خودشان را بگیرند، اگر پلیس نباشد حتی پلیس بد، جنایتکاران شهر را نابود میکنند. پلیس را باید آموزش داد اما والدین هم باید حواس شان باشد که جوان شان را خوب تربیت کنند!" از قول نخست وزیر انگلستان میگیرند: همه را سرکوب میکنند. تا لحظه نوشتن این متن من به عنوان یک بیننده شاهد نبودم که این رسانه با یکی از این جوانان صحبتی داشته باشد که بپرسد: "در تان چیست که انبار شرکت سونی را آتش زدید" اما خبرنگار بی بی سی وعده میدهد که مثلاً توزیع سی دی به زودی حل میشود این را مسئولان انبار سونی قولش را دادند! اما واقعیت چنان واقعی است که همین رسانه لایه لایه حرفهای جوری که هیچکس نشنود بگوید با بحران جهانی و قطع شدن امکانات رفاهی مردم از سوی دولتها این وقایع غیر منتظره نیست. اما خبرنگار بی بی سی و "خبرنگاران شریف" دیگر به فکر مردم محلات محروم لندن نیستند؛ رسانه های دیگر بورژوازی هم دست کمی از بی بی سی فارسی ندارند اما شورش چنان گسترده بود که آنها هم مجبور هستند گاهی اعترافاتی بکنند که اصلاً مایل نیستند به گوش شنوندگان و بینندگان شان برسد چرا که زمانه عوض شده است عصر اینترنت است و صدای مردم

به گوش هم میرسد. به اسرائیل نگاه کنید. میگفتند این مردم جد اندر جدشان "یهودی" است و خون موسی در رگانشان است و آب شان به هیچ وجه با "عرب" تو یک جوی نمی رود. اما جوانان در اسرائیل اعلام میکنند اینجا مصر است! کسی نمیداند شاید یکی در لندن پیدا شد و گفت اینجا هم شهر حما است، کما اینکه پیدا شدند و میگویند ما حرمت و معیشت

آغاز اعتراضات گسترده در شیلی



های دولت شیلی در خیابان های سانتیاگو و سایر شهرهای کشور شیلی تظاهرات کرده اند. تظاهرات مردم شیلی در سانتیاگو، با برخورد پلیس و خشونت مواجه شده است. بیش از ۱۰۰۰ نیروی پلیس با اعمال روشهای خشونت آمیز و استفاده از ماشین های آب پاش و هلیکوپتر و گاز اشک آور سعی در متفرق کردن معترضین داشتند. به گفته مقامات رسمی در تظاهرات روز پنجشنبه ۱۰ آگوست در سانتیاگو شیلی و دیگر شهرهای این کشور ۸۷۴ نفر بازداشت شدند. اقدامات نیروهای امنیتی و پلیس در مواجهه با معترضین مشابه برخوردهای زمان دیکتاتوری پینوشه در سالهای ۱۹۷۳ تا ۱۹۹۰ میباشد. "برگرفته از وب لاگ فرشاد حسینی"

شورش عدالت خواهان روز پنجشنبه ۱۰ آگوست از سانتیاگو شیلی سر برآورد. بیش از صد هزار نفر از مردم و دانشجویان در اعتراض به سیاست های دولت در زمینه آموزش و پرورش و آموزش عالی به خیابان ها آمدند. این در حالی است که شیلی طی هفته های اخیر صحنه اعتصابات و تظاهرات مردمی در اعتراض به مشکلات موجود در نظام آموزشی است. هزاران دانشجوی شیلیایی تهدید کرده اند در صورت بی توجهی دولت به خواسته آنان سال تحصیلی جدید را تحریم کرده و از حضور در کلاسهای درس خودداری خواهند کرد.

مردم، دانشجویان، معلمان و قشرهای کارگری از عمده قشرهایی هستند که در اعتراض به سیاست

در باره "طرح بیمه بیکاری جوانان" ... از صفحه ۴

مشخص آن هم در آستانه نزدیک شدن به انتخابات حکومتی و تلاش برای بهراریهای سیاسی می باشد. مثل طرح کذایی دادن هزار متر زمین به همه مردم برای ساختن ویلا که احمدی نژاد مطرح کرده بود! اینها در هر انتخاباتی وعده ای جدید می دهند تا بدین طریق بخش هایی از مردم را با این وعده و وعیدها پای صندوقها کشانده و قدرت باند خودشان را در هر قدرت و سیستم حکومتی تثبیت نمایند. این طرح حتی در صورت

اجرای شدن هم نخواهد توانست پاسخ معضل بیکاری را بدهد. چرا که یکی از علل بنیادی وجود و گسترش بیکاری خود جمهوری اسلامی و اقتصاد ورشکسته اش می باشد. جمهوری اسلامی وصله ناجور بر پیکر سیاست و جامعه در دنیای مدرن امروز بوده و می باشد. برای پایان دادن به معضل بیکاری در وهله اول باید نظام سرمایه داری عقب افتاده اسلامی را به زیر کشید. *

صدای متفاوتی از عراق ...

از صفحه ۱

طبعاً يك پای این کشتار و ترور آشکارا نیروهای تروریست اسلامی و بعضی هستند. اما اساسی تر از آنها، نیروهای آمریکایی متحدين آنها هستند که تقریباً همه چیز از جمله زیر ساختها، نیروگاههای برق، آب آشامیدنی و جاده ها و راهها را نابود کرده اند و باعث شده اند که هزینه زندگی مدام افزایش یابد و فقر گسترده ای حاکم شود و تمدن و جامعه به نابودی کشیده شود. اما نیروهای حاکم اسلامی- ناسیونالیست- قبیلہ ای شرکای اصلی نیروهای اشغالگر هستند. زیرا آنها توسط اینها به عراق آورده شدند. مردم عراق امروز دقیقاً حرفشان اینست که بین اسلامی ها و اشغالگران آمریکائی تفاوتی نیست. اینها هر دو یکی هستند. این بنظر من بخشی از تغییر جدی است که در صحنه سیاسی و اجتماعی عراق شکل گرفته است. این فاصله گرفتن از حاکمین می توانست محصول يك انقلاب باشد. اما شرایط داخلی عراق باعث شده است مردم تا این حد از حاکمین و نیروهای اسلامی فاصله بگیرند و علیه آنها باشند. به این ترتیب توده مردم شروع کردند به مبارزه علیه حکومت اسلامی و قومی. این مبارزه با خواست زندگی انسانی شروع شد. یعنی با اعتراض به فقر و بیکاری و برای دست یابی به ابتدایی ترین خدمات رفاهی شروع شد. این اعتراضات و طرح این خواستها ابتدا در شهرهای جنوبی و مخصوصاً بصره، ناصریه و کربلا و شهرهای دیگر جنوبی پا گرفت. روشن است که این شهرها توسط نیروهای اسلامی عمدتاً طرفدار جمهوری اسلامی ایران اداره میشود. بهرحال تضاد طبقاتی در عراق بجایی رسیده که مردم دیگر نمیتوانند تحمل کنند. مردم فکر کردند که دیگر نمیتوانند ساکت بنشینند. جبهه های سیاسی اصلی در عراق بین گروههای شیعی اسلامی و جنبش ناسیونالیستی پروعربی که با گروههای تروریستی سنی حشر و نشر دارد تقسیم میشده است. جامعه عراق با انواع و اقسام باندهای اسلامی، قبیلہ و عشیرتی، ناسیونالیست از هر رنگ و طیفی

توحش کمتر از اوایش و بسیجی های حکومت ایران یا حکومت بعث سوریه یا حکومت قذافی جنایت نکرده اند. اینها برای حفظ خود در حکومت کار دیگری جز خشونت و توحش نمیتوانند انجام دهند.

انترناسیونال: به سرکوبها اشاره کردید اما کلاً تا قبل از شروع این تظاهرات تصور اینکه بشود در عراق تظاهرات توده ای کرد مشکل بود. اگر ممکن است همین را بیشتر توضیح دهید که چگونه در شرایط جنگی و تروریستی عراق امکان ادامه تظاهرات توده ای وجود دارد؟ موقعی که امکان و خطر حملات تروریستی و نظامی وجود دارد؟

عصام شکری: در واقع تظاهرات ها این شرایط را عوض کرده اند. تظاهرات بخشی از جنبش ضد تروریستی و ضد اسلامی است. بخشی از هویت آن همین است که بعنوان جنبش مستقل مردم ظهور کرده است. این نقطه قوت این جنبش است. مردمی که ابتدا به خیابانها رفتند و دست به تظاهرات زدند در عین حال فضایی را برای بقیه مردم برای تظاهراتی بیشتر ایجاد کردند. این باعث عقب گرد نیروهای تروریستی و اسلامی و کاهش نفوذ و تضعیف موقعیت آنها شده است. این جنبش انقلابی در عراق بنظر من فقط جزئی از موقعیت در عراق نیست. این خود موقعیت امروز عراق است. اما ممکن است کسی بگوید پس چرا حملات تروریستی در عراق متوقف نشده است. این واقعیتی است. اما لازم به اشاره است که عملیات تروریستی بعد از شروع تظاهرات آنها کاهش یافته است. در کل تظاهرات آنها نسبتاً امن بوده اند زیرا مردمی که بیرون رفتند و دست به تظاهرات زدند از ابتدا ضد تروریسم اسلامی بودند. در فضا کلاً علیه تروریستها بود. در نتیجه مردم اکنون با نوع کلاسیک سرکوب دولتی روبرو هستند که تلاش میکنند تظاهرات را با سرکوب و خشونت نیروهای دولتی عقب برانند. من فکر میکنم اگر مردم بیشتر به تظاهرات پیوندند تروریسم نیروهای اسلامی و بعضی کمتر و کمتر خواهد شد. سربازگیری آنها دارد به مخصصه جدی میخورد. نکته جالب اینست که ترس و وحشت از

میان مردم رخت بر بسته است. مردم همانقدر از تروریسم در رابطه با تظاهرات ترس دارند که برای رفتن به خرید یا ملاقات دوستان و بستگانشان باید خطر را به جان بخرند. مردم میگویند ما آماده ایم مثل آن جوان تونسی یعنی محمد بوغزیزی که خود را به آتش کشید، در همینجا یعنی میدان التحریر کشته شویم. میگویند ما کمتر از او قهرمان نیستیم. تا آنجا که به تروریسم مربوط میشود الان تروریسم خود را متوجه افسران رتبه بالای پلیس و ارتش با روش های متفاوتی کرده است. صدها نفر از آنها توسط مخالفینشان ربوده شده اند. بعضی ها میگویند این کار نیروهای جمهوری اسلامی ایران است که اوضاع را بر ضد آمریکا بچرخاند. برخی میگویند این جزئی از دعوای درون نیروهای ارتش است. اما تروریسم به صورت ترورهای گسترده مردم کاهش یافته است.

انترناسیونال: در مورد رهبری و نیروهای سازمان دهنده اعتراضات چه میگویید؟ آیا سازمان و یا رهبرانی هستند که نقش تعیین کننده در اعتراضات دارند؟

عصام شکری: تظاهرات توسط فعالین محلی یعنی توسط کسانی از میان خود مردم رهبری و هدایت میشود. همچنین تشکلهای جوانان، زنان، کارگران و سازمانها و فعالین حقوق مدنی هستند که در رهبری و هدایت تظاهرات نقش دارند. تظاهرات توده ای در سایه شرایط فعلی خیلی زود شکل میگیرد و اغلب حول و حوش خواستهای ضد دولتی و خواست سراسری پایان دادن به فاجعه در عراق و توقف نابودی بیشتر عراق شکل میگیرد. در همین رابطه میتوانم به تشکل "اتحاد علیه بیکاری" در عراق اشاره کنم که در ماه ژانویه گذشته شکل گرفت و خود ما هم در تشکیلش نقش داشتیم. این تشکل چهره های جوانی را شامل میشود که در عین حال سازمانگران تظاهرات علیه بیکاری در سالهای بلافاصله بعد از سقوط صدام بوده اند. بهرحال جنبش کنونی در عراق رهبری متحد و سراسری ای ندارد اما گروهها و سازمانهای کوچکتری هستند که قدرت سازمانگری دارند و

در آن نقش ایفا میکنند. تلاشهایی دارد میشود که این سازمانها و تشکلهای با هم به وحدت و اتحادی سراسری برسند. در واقع من دارم به این سوال از زاویه میدان التحریر بغداد که بسیار مهم و کلیدی است جواب میدهم اما بنظر من جنبش انقلابی در عراق بسیار از بغداد فراتر می رود و همانطور که اشاره کردم بخشها و شهرهای متعددی را اساساً در جنوب عراق در بر میگیرد.

میتوانم بگویم که فضا و روحیه تازه ای وارد عراق شده است و جوانان اوضاع را در کنترل خود دارند و خواستها بطور واقعی انقلابی است. اما مساله رهبری هنوز روشن نیست. شاید رویدادهای آینده به این سوال جواب روشن تر و واقعی تری بدهد.

انترناسیونال: حزب کمونیست کارگری چه عراقی در این رویدادها چه نقش و چه نقشه ای دارد؟

عصام شکری: سوال مهمی است. حزب ما در همه رویدادها شرکت دارد و رفقای ما در رهبری تظاهرات در بغداد برده ای رهبری و نفوذ دارند. رفقای ما غالباً در چارچوب فعالیتهای تشکل "علیه بیکاری" فعالیت میکنند. برای نمونه اخیراً علیه بیکاری تظاهراتی را سازمان داد که از خیابان "موتانابی" در بغداد شروع شد و کل مسیر طولانی خیابان مشهور رشید را طی کردند و به میدان التحریر رسیدند. رهبری این تظاهرات در دست فعالین ما بود و شعارهای انسانی و انقلابی ما بر این تظاهرات حاکم بود و نشانی از شعارهای مذهبی و قومی و فرقه ای نبود. همچنین فعالین ما در تظاهرات های میدان التحریر شرکت میکنند، در تعیین شعارها نقش دارند، نشریات و اعلامیه ها را به دست مردم میرسانند. تشکل "علیه بیکاری" اکنون يك خبرنگار هفتگی منتشر میکند به اسم "نه به بیکاری" به زبان عربی "لا للبطالة". که وسیعاً میان تظاهر کنندگان و توده مردم توزیع میشود. این نشریه در مورد بیکاری است و تلاش میکند صفوف بیکاران را که بیش از ۵۰ درصد کارگران عراق را تشکیل میدهد متحد و متشکل کند. استراتژی ای که ما دنبال میکنیم در شرایط حاضر

بهر روز مه‌آبادی

صحنه‌هایی از یک فیلم که روی سایت یوتیوب می‌توان دید، فریاد های یک زن میان سال خطاب به چند مامور پلیس فضای خیابان فرعی کم و رفت و آمد را در تهران پر کرده است. ماموران برای جمع آوری دیش های ماهواره به پشت بام خانه هجوم برده اند و زن آنها را بیرون رانده. ماموران حتی جرات نشان دادن کارت شناسائی خود را نیز ندارند. "چرا به پشت بام خانه من آمدی؟"، "چرا زنگ نزدی؟"، "چرا کارت شناسائی نشان نمی‌دی؟".... مقاومت زن و حضور سه چهار نفر دیگر از همسایه‌ها ماموران را وادار به گریز از محل کرده و فریاد های زن آنها را بدرقه می‌کند: "برای چی در میری؟"، فرار کردی؟، بدبختی دزد!". مشاهده این صحنه در خیابانهای تهران و سایر شهرهای ایران عادی است. صحنه‌های پرورش اوباش جمهوری اسلامی به منازل مردم برای جمع آوری دیش های ماهواره ای و مقاومت مردم در مقابل آنان هر روز صدها بار تکرار می‌شود. تصاویر و

مصاف تکاوران اسلام با دیش های ماهواره ای

فیلم های حمله تکاور های رژیم که مانند رامبو با کابل و تجهیزات تکواری از دیوارها بالا می‌روند تا گیرنده های امواج ماهواره ای را از پشت بام ها جمع کنند. این دیش های ماهواره ای "گردنکش و یاغی" گاهی فقط یک صافی فلزی هستند که یک دسته قابل‌بده کهنه یا نخ به آن بسته شده و با ابتدایی ترین وسایل تبدیل به ابزار خطرناکی شده اند که هراس در دل حکومت اسلامی انداخته است. سربازان اسلام با طناب و جرتقیل و هلیکوپتر پشت بام های منازل مسکونی را فتح می‌کنند و با پتک بجان این دیش ها می‌افتند و آنها را از پشت بام ها به پایین پرتاب می‌کنند تا از بنیاد اسلام و نظام اسلامی محافظت نمایند. اما این اقدامات کافی نیست آیت‌الله علم الهدی امام جمعه مشهد توصیه می‌کند: "دستگاههای دیجیتالی و فیلترهای الکترونیکی باید بوجود بیاید که جریان ماهواره را در کشور کاملاً کنترل کند. این مملکت به عنوان مملکت امام زمان باید از آفات ماهواره مصون باشد".

اما نه توسل به فرشتگان و اجنه، نه دعا و نفرین، نه دستگاہهای دیجیتالی و نه فیلترهای الکترونیکی، هیچ کدام چاره کار نواب امام زمان نیست و مخاطب زن تهرانی ماموران پلیس نیستند وقتی که فریاد می‌زند: "تمام دیش های تهران را جمع کردی؟". در حقیقت او عجز و ناتوانی جمهوری اسلامی را در مقابله با مردم اعلام می‌کند. چیزی که دست اندرکاران رژیم هم ناچار به اعتراف آن هستند. سید رمضان شجاعی کیاسری عضو کمیسیون فرهنگی مجلس اسلامی می‌گوید: "اگر این نوع برخورد ها در ساله های گذشته مفید بود و نتیجه معکوس نداشت، امروز شاهد افزایش آمار مخاطبان شبکه های ماهواره نبودیم". و امین شعبانی عضو مجلس اسلامی از سنندج نتیجه عکس تهاجمات رژیم را اعلام می‌کند: "اعتقاد دارم تهاجم فرهنگی در حال آسیب رساندن به جامعه اسلامی است، باید مقابله کرد اما سوال این است که این مقابله باید به چه صورتی باشد. باید با فکر و تدبیر بهترین راه را انتخاب کرد تا این اقدام نتیجه عکس

در جامعه نداشته باشد". نتایج نظر سنجی منتشر شده که رسماً در رسانه های مجاز درون کشور منتشر شده بخش کوچکی از واقعیت را بیان می‌کند. "۴۲ درصد از پاسخگویان گفته اند که بیننده برنامه های ماهواره هستند و در هر شبانه روز بطور متوسط ۳ ساعت برنامه های ماهواره را تماشا می‌کنند. ۳۳ درصد در حد زیاد و خیلی زیاد و ۳۲ درصد در حد خیلی کم به تماشای برنامه های ماهواره ابراز علاقه کرده اند. با وجود افزایش حملات رژیم آمار کسانی که به برنامه های تلویزیونی ماهواره ها نگاه می‌کنند نه تنها کمتر نشده، بلکه نسبت به سال قبل کمی بیشتر شده. نیم بیشتر پاسخگویان به نظر سنجی موافق آزاد شدن ماهواره هستند." و اگر در نظر بگیریم که بسیاری از افراد در هراس از مزدوران رژیم از پاسخگویی طفره رفته و یا تماشای برنامه های ماهواره ای را انکار کرده اند، می‌توان دریافت که آمار واقعی طرفداران ماهواره بسیار بیشتر از نتایج این نظر سنجی است. قانون مصوبه توسط اصلاح طلبان در سال ۱۳۷۳ به ریشخند گرفته می‌شود و آمار بینندگان کانال

های ماهواره ای افزایش می‌یابد. در گزارش مربوط به نظر سنجی مضرات ماهواره به این شرح خلاصه می‌شود: "گرایش جوانان به فرهنگ غربی، گرایش به بی بند و باری در مردم، تضعیف پایبندی مردم به دین، شاد شدن روحیه مردم و انتشار اخبار واقعی از ایران و عامل بروز ناآرامی و اغتشاش در کشور". هراس جمهوری اسلامی بی دلیل نیست. امواج نامرئی ماهواره پایه های حکومت اسلام را متزلزل ساخته است. جوانانی که از دریچه کوچک تلویزیون واقعیت های خارج از دنیای حفقان آور و کثیف احکام اسلامی را ببینند بدون شک فرهنگ غربی را در مقابل فرهنگ متحجر روضه خوانی انتخاب می‌کنند. دیگر نمی‌توانند زنجیر های دین را بر دست و پای خود تحمل کنند و آرام نخواهند نشست. نقش اطلاع رسانی و آگاهگری "کانال جدید" در جنبش انقلابی مردم در دو سال قبل، تجربه تلخی برای رژیم است که برای جلوگیری از تکرار آن تمام تلاش خود را بکار گرفته است. حملات وحشیانه رژیم به دیش های بی زبان ماهواره ای بی دلیل نیست. *

صدای متفاوتی از عراق ...

اینست که رهبری تظاهرات ها را متحد کنیم و مانع نفوذ گرایشات اسلامی و ناسیونالیستی در آنها شویم و استقلال آنها را از نیروهای ارتجاعی طبقه حاکم حفظ کنیم. این وظیفه مهمی است که شرایط حاضر ما را مجبور میکند که انجام دهیم. این بخش از کار ما به رهبری ای آگاه نیاز دارد. فعالین ما جوان اما با پرئسیپ و منضبط هستند. ما باید به این جنبه توجه کنیم و توان و ظرفیت آنها را مد نظر داشته باشیم و بر اساس آن تجزیه تحلیل کنیم و آنها را هدایت کنیم و رشد دهیم. رهبری حزب لازم است که در فعالیتهای هرروزه با آنها باشد تا رویدادها را دنبال کند و تضمین کند که کمونیسم کارگری در این اوضاع حاضر است و از این آزمون موفق بیرون آید. این وضعیت دقت و پیگیری زیادی لازم دارد و باید به سوالات و مسائل ریز و درشتی که پیش می‌آید سریع تر از توانائی ات جواب دهی. کلاً خط عمومی جنبش ما با جنبش انقلابی و تلاش برای تاثیر مثبت بر آن هماهنگ است.

از صفحه ۶

روشن کرده ایم. از نظر ما این پلاتفرم راه حل مشخص مساله قدرت سیاسی در عراق است. بحران طبقه حاکم در عراق این مساله را به صحنه آورده است و بنابراین ما فکر کردیم که این وظیفه ماست که به این مساله جواب دهیم. راه حل ما بطور خلاصه اینست که کاری کنیم که مردم بطور اساسی و واقعی از طریق شوراهاشان سرنوشت و آینده خود را در دست بگیرند. و بالاخره مردم عراق رنجها و مشقات زیادی را متحمل شده اند و موقعیت انقلابی کنونی حضور ما را ضروری میکند. ما علیرغم شرایط سخت و مشکلات مالی و غیره که با آن دست و پنجه نرم میکنیم داریم احترام و اعتماد بیشتری در میان مردم کسب میکنیم. ما به حمایت همه مردم شریف و انسان دوست در جهان و در ایران نیاز داریم که بتوانیم پرچم سوسیالیسم و انسانیت و آزادی را در عراق برافزاییم.

انترناسیونال: عصام شکری از شرکت شما در این گفتگو بسیار ممنونیم.

ادامه اعتراض معلمان در مقابل مجلس

در خبرهای ۱۱ مرداد آمده است که بیش از ۱۰۰ نفر از کارکنان شرکتی آموزش و پرورش از سراسر کشور به نمایندگی از حدود ۲۰ هزار همکار خود با تجمع مقابل مجلس اسلامی خواستار جذب در آموزش و پرورش شدند. این عده روز یکشنبه نیز در مقابل مجلس تجمع کردند. یکی از این تجمع کنندگان گفته است: جمعی از معلمان حق‌التدریسی و آموزشیاران نهضت سوادآموزی نیز صبح همان روز مقابل نهاد ریاست

جمهوری تجمع کرده‌اند. معترضین گفته‌اند: آزمون‌های معلمان از معلمان حق‌التدریسی و شرکتی گرفته شده که می‌بایست بیش از نیمی از این افراد در این آزمون قبول می‌شدند در حالی که کمتر از یک سوم در آزمون فوق پذیرفته شدند. معترضین همچنین معتقدند که برگزاری چنین آزمونهایی تشخیصی برای آغاز همکاری با آموزش و پرورش و یا ورود از یک مرحله به یک مرحله دیگر است و نمی‌بایست از این معلمان چنین آزمون گرفته می‌شد.

Free jailed workers in Iran



Mansoor Ossanlou
Ebrahim Madadi
Mohammad Jarahi
Reza Shahabi
Behnam Ebrahim-zadeh
Shahrokh Zamani
Seyed Boyok Sidlar



کمپین برای آزادی کارگران زندانی

shahla_daneshfar@yahoo.com

شهلا دانشفر

bahram.soroush@gmail.com

بهرام سروش

انقلابی انسانی، برای حکومتی انسانی!

وحشت رژیم و وعده...

از صفحه ۱



شهلا دانشفر

این وعده و وعیدها ندادند است مخصوصاً این روزها در آستانه نمایش انتخاباتی مجلس اسلامی بازار چنین وعده‌هایی داغ است. از جمله احمدی نژاد در آغاز همین سال جاری وعده ایجاد دو و نیم میلیون فرصت شغلی برای کارگران بیکار را داد و بعد هم محمد رضا با هنر از مقامات حکومتی، با خواندن این وعده به طنزهای های غم انگیز با اشاره به نیاز ۴۰۰ میلیارد دلار برای تحقق چنین کاری تحقق آنرا غیر عملی خواند. یا همین اخیراً احمدی نژاد در جایی دیگر با صحبت از واگذاری هزار متر زمین به هر خانواده ایرانی، مایه جوك و مزاح در درون خود حکومت و بالا گرفتن جنجال‌هایشان شد. علاوه بر رژیم که دستمزد کارگر را در سطح ۳۳۰ هزار تومان نگاهداشته و بنا بر آمار منتشر شده خودش خطر فقر بیش از یک میلیون و نیم می باشد، برای رژیم که در حاکمیت آن نپرداختن دستمزدها آنهم برای ماهها و حتی بیش از یکسال به یک نرم معمول جامعه تبدیل شده است، چه اتفاقی افتاده است که اکنون با چنین وعده ای خطاب به جوانان جلو آمده است؟ روشن است که هوا خیلی پس است و جمهوری اسلامی حسابی وحشت کرده است.

جانیان اسلامی طرح هدمند کردن یارانه ها را تصویب کردند تا آخرین لقمه نان سفره خالی مردم را به سرقت برند. یک بخش مهم تبلیغاتشان در اجرای این طرح ریاضت اقتصادی نیز پرداخت یارانه های نقدی بود و اکنون میبینیم که چگونه به ادامه آن مانده اند و مردم هم در مقابل این طرح ایستاده اند و صحبت از نپرداخت قبض ها به یک گنتمان اجتماعی تبدیل شده است. بنابراین در شرایطی که سنگ روی سنگ بنا نیست، در شرایطی که اقتصادشان چنین در هم فرو ریخته و یک موضوع مهم جنگ درونی شان نیز همین موضوع است، مساله چیست که کمیسیون اجتماعی

حکومت با یک چنین وعده ای که هزینه گزافی بر میدارد به میدان آمده است؟

صرف نظر از اینکه طرح کمیسیون اجتماعی جمهوری اسلامی تحت عنوان بیمه بیکاری برای جوانان آماده بکار، ربطی به بیمه بیکاری دارد یا نه، و صرف نظر از اینکه چقدر اجرای همین چیزی که به آن بیمه بیکاری میگویند، عملی خواهد شد یا خیر، نفس اینکه این جانیان امروز وادار شده اند از بیمه بیکاری برای جوانان سخن بگویند تا بقول خود مسکنی برای جوانان باشد، خود یک عقب نشینی آشکار و نشانگر استیصال و وحشت این رژیم از به عصیان آمدن جوانان و انقلاب مردم است. وعده هایی که بدون شك برای جمهوری اسلامی گزاف تمام خواهد شد.

نگاهی به اتفاقات همین دو هفته اخیر به روشنی نشان میدهد که موضوع از چه قرار است. مساله به سادگی اینست که جمهوری اسلامی نقش جوانان را در خیزش انقلابی مردم در سال ۸۸ را تجربه کرده است و امروز به چشم خود می بیند که همین جوانان دارند با مدیای اجتماعی شان، به اعتراضاتشان سازمان میدهند. درست بعد از جنگ آب بازی جوانان در پارک ها و سازمان یافتن این اعتراض اجتماعی توسط فیس بوك و مدیای اجتماعی، بعد از سلسله حرکاتی اعتراضی که در آن جوانان دختر و پسر به پارک ها ریختند و با شکستن دیوارهای آپارتمان جنسی اعلام داشتند که شادی حق ماست و به این شکل اعتراض خود را بیان کردند، جمهوری اسلامی به تکاپو افتاده است و بقول خود بدنبال مسکنی برای خواباندن این طوفان است. آنهم در متن شرایطی که جامعه حالتی انفجاری داشته و مردم در کمین فرصتی برای یکسره کردن کار این حکومتند. خصوصاً اینکه جانیان اسلامی نقش جوانان در انقلابات کشورهای شمال آفریقا را دیده اند. نقش مدیای اجتماعی در بسیج جامعه علیه دیکتاتور ها و علیه فقر و بی حقوقی را دیده اند، و امروز به چشم خود می بینند که چگونه در سطح جهان از ویسکانسین آمریکا تا میدان خورشید اسپانیا و باستیل فرانسه و هم اکنون در اسرائیل دارند از مصر الهام میگیرند و میگویند اینجا تحریر است. بله جهان متحولی است

که دیکتاتورها را به وحشت انداخته است و اینها همه برای جمهوری اسلامی یک کابوس است و در چنین شرایطی است که از طرحی تحت عنوان "بیمه بیکاری برای جوانان آماده بکار" سخن در میان است.

وام به جای بیمه بیکاری!

اما اجازه بدهید کمی هم در مورد خود این طرح در همین سطحی که در خبر آمده بپردازم. بنا بر این طرح گفته میشود که به جوانان بیکار مجرد ماهانه ۳۰۰ هزار تومان و به جوانان متأهل بیکار ماهانه ۳۵۰ هزار تومان البته حداکثر تا مدت دو سال پرداخت خواهد شد و این پول نیز بعد از اشتغال این جوان به کار در اقساطی ۵۰ ماهه بازپرداخت خواهد شد. بدین ترتیب جانیان اسلامی از بیمه بیکاری به جوانان صحبت میکنند و بعد معلوم میشود که این پول نه برای تا مادامیکه جوانان کار ندارند و آماده اشتغالند، بلکه تنها برای حداکثر دو سال پرداخت خواهد شد و تازه آنها باید پولی را که تحت عنوان بیمه بیکاری دریافت کرده اند، بعد از اشتغال به کارشان در اقساطی ۵۰ ماهه بازپرداخت کنند! این هم رندی آخوندی است، دادن وام به جوانان، بیمه بیکاری برای جوانان آماده بکار، نام میگیرد. واقعا مسخره است.

اما خود این تصمیم تا همین جا هزینه سنگینی برای جمهوری اسلامی در بر دارد. و همانطور که اشاره کردم رژیمی که با اقتصادی ورشکسته و در هم ریخته روبروست، اکنون در برابر جوانان و جنبش انقلابی مردم به چنین استیصالی افتاده که مجبور است برای مسکن زدن به آن چنین هزینه ای بپردازد. واقعیت اینست که فقر و بیکاری نیروی میلیونی جوانان را به تباهی کشانده است. بیکاری ابعاد میلیونی و سرسام آور دارد. هیچ آینده ای در مقابل جوانان وجود ندارد. بخش عظیمی از جوانان، از همان سنین پایین و حتی کودکی بخاطر فقر خانواده امکان ادامه تحصیل نیافته و ناگزیر به فروش نیروی کار خود به ارزانتترین قیمت به دلان کار شده اند و خیلی عظیمی از آنها هم اکنون بیکار و بی آتیه سرگرداند. جوانانی که بخاطر فقر حتی امکان ازدواج و تشکیل خانواده و داشتن یک زندگی انسانی را پیدا نمیکند. جوانانی که فارغ التحصیل میشوند و بعد هم

بخاطر بیکاری خود را عاطل و باطل می بینند. جوانانی که بخش عظیمی از آنان بخاطر همه این نابسامانی ها به ورطه اعتیاد و تباهی کشیده میشوند. و در کنار همه اینها و تحت حاکمیت قوانین ارتجاعی اسلامی، جوانان از هر نوع شادی کردن و داشتن یک زندگی انسانی محرومند. یک جوان اجازه داشتن دوست پسر یا دوست دختر خود را ندارد، یک جوان اجازه لباس پوشیدن به شکلی که می پسندد و دوست دارد را ندارد و زندگی هر روزه او مورد تفتیش و تجسس و بیحرمتی است. در این رژیم دانشگاه را قبرستانی میکنند، در پارکها و در دانشگاهها و در سطح جامعه بساط تفکیک جنسیتی راه انداخته اند، جوانان را بجرم مشروب خوری و یا روزه خوری و غیره به شلاق میکشند و بدین ترتیب سی و دو سال است که جوانان نیز همچون کل جامعه زیر یک بی تاملی، بیحقوقی و بیحرمتی سیستماتیک و هر روزه قرار داشته اند. آنوقت جانیان اسلامی جوانی که مقابل این وضعیت می ایستند و زیر بار قوانین ارتجاعی اسلامی نمیروند را اوباش و ارازل می نامد. تحت این عنوان آنها را مورد تعرض قرار میدهد. و حتی مهمانی ها و جمع شدنهای جوانان نیز از تعرض اوباش جمهوری اسلامی در امان نیست. طبعاً در این میان و بر پایه قوانین این رژیم آپارتاید جنسی وضع دختران جوان بسیار اسفناک تر است. از جمله یک عرصه دائمی تعرض این رژیم حجاب است و می بینیم که اکنون رژیم در برابر کنار رفتن حجاب و ابعاد گسترده این جنبش آنچنان به استیصال افتاده است که دیگر به سیم آخر زده و میگوید برای حجاب تذکر هم نخواهند داد و مستقیماً جرم آن دستگیری و زندان خواهد بود.

اینها همه موضوعات هر روزه جنگ جوانان با این رژیم است. و امروز این جنگ به یک نقطه جوشش و عصیان رسیده است. جمهوری اسلامی با اعلام طرح "بیمه بیکاری" جوانان آماده کار به قول خودش میخواهد مسکنی برای این جوشش باشد. در یک کلام اساساً اوضاع پر

تپش جامعه ایران و تحولات شگرف جهان امروز است که جمهوری اسلامی را چنین وحشت زده کرده است و این خود برای ما یک نشانه مثبت است. باید این عقب نشینی رژیم در حرف و طرح را به یک سکوی پرش برای پیش کشیدن خواستههای خود و تشدید مبارزاتمان تبدیل کنیم.

این عقب نشینی رژیم و اینکه میگوید ماهانه ۳۰۰ هزار تومان به جوانان آماده به کار مجرد و ۳۵۰ هزار تومان به جوانان آماده بکار متأهل خواهد پرداخت را باید نقد چسبید و این پولها را از حلقومشان بیرون کشید. این عقب نشینی بطور واقعی جنبش اعتراضی جوانان و مردم ایران را در موقعیت تعرضی تری قرار میدهد و سنگری است که جوانان آنرا با مبارزه خود فتح کرده اند و باید به سکوی پرشی تبدیل شود برای متحد شدن آنان حول خواستههای سراسری و برای یک زندگی انسانی. این وعده ها را باید نقد چسبید و کاری کرد که هزینه بسیار سنگین تری برای این حکومت داشته باشد و فرصت نداد که از زیر بارش شانه خالی کنند. باید جمع شد و اعلام کرد، ما نه تنها این پول را میخواهیم و حق خود میدانیم بلکه ما خواهان جوانان یک زندگی انسانی و همانطور که کارگران در طومارهایشان اعلام داشتند حداقل دو میلیون تومان در ماه هستیم تا بتوانیم گذران زندگی کنیم. اعلام کنیم که ما خواهان شرایط و ایجاد تسهیلات لازم برای تحصیل و ادامه تحصیل خود بصورت رایگان هستیم. اعلام کنیم که ما مسکن میخواهیم. ما درمان رایگان میخواهیم. و تازه چرا تسکین، ما زندگی انسانی میخواهیم و کوتاه نمی آیم. خلاصه کلام اینست که اعلام این طرح از سوی جمهوری اسلامی بیش از هر چیز استیصال این حکومت و قدرت جوانان را در مقابل چشم کل جامعه قرار میدهد. باید قدرتمان را ببینیم و صفوف اعتراض خود را با اتکا به مدیای اجتماعی مان سازمان دهیم و ما نیز اعلام کنیم اینجا التحریر است. *

... دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید

سوسیالیسم و بدون "خطر" سوسیالیسم به چه منجلابی

بدل میشود!

ژئوک و انقلاب در ایران

توهمات یک فیلسوف سیاسی

محسن ابراهیمی



اسلاری ژئوک، خود را جزو فلاسفه ای میدانند که نمیخواهند جهان را فقط تفسیر کنند. او که خود را مارکسیست و کمونیست مینامد و گاهی حتی با تی شرت لنین در مصاحبه ها ظاهر میشود، به یکی از مطرح ترین فلاسفه سیاسی معاصر تبدیل شده است. خبرگزاری راست محافظه کار فاکس در آمریکا از او به عنوان خطرناکترین فیلسوف معاصر یاد میکند و محافل ژورنالیسم دموکرات و "چپ"، از او به عنوان الویس پرلسی جهان فلسفه سیاسی یاد میکنند. ۵۰ سالش است و ۵۰ کتاب در زمینه فلسفه، تئوری سیاسی، نقد فرهنگ و فیلم نوشته است. ۱۰ سال پیش، رسانه های مطرح رسمی او را تحویل نیکرگفتند و به قول خودش به عنوان دلقک جهان فلسفه از او یاد میکردند؛ اما امروز برای مصاحبه با او صف میکنند.

ژئوک، اخیراً در باره رویدادهای سال ۸۸ در ایران اظهار نظر کرده است که جای تامل دارد. علاوه بر اختصاص چند صفحه در کتاب مشهورش به نام "نخست به صورت تراژدی، آنگاه به صورت کمدی" و اظهارات پراکنده در مصاحبه های مختلف، حرف اصلی اش در باره اوضاع ایران را در مقاله مفصلی تحت عنوان "آیا گریه به دره سقوط خواهد کرد؟" زده است.

عنوان مقاله ژئوک، اشاره ای استعاره ای به سرنوشت گریه در کارتون مشهور موش و گریه (تام و جری) است. گریه در این کارتون، وقتی به پرتگاه میرسد، همچنان به رفتن ادامه میدهد اگر چه زیرپایش خالی است. تنها زمانی سقوط میکند که ورطه زیر پایش را ببیند. به زعم ژئوک، حکومت اسلامی شبیه این گریه است. در لبه پرتگاه است. کافی است کسی زیر پایش را به این حکومت نشان دهد تا سقوط کند. از این بگذریم که اتفاقاً حکومت اسلامی که در سال ۸۸ به لبه پرتگاه نزدیک شد، اگر به قعر دره سقوط نکرد به این دلیل نبود که زیر پایش را ندید بلکه به این خاطر بود که جنبش انقلابی مردم نتوانست آخرین تلنگر را بزند. به هر حال این بحث اصلی ما نیست و از آن میگذریم. ژئوک مدعی است که روایتیهای مربوط به اعتراضات ایران در سال

توجه ما را جلب میکند:

"آنها": منظورش از "آنها" چیست؟ موسوی و دار و دسته اش؟ جوانان معترضی که اعتراضشان را تا سطح یک نیمه قیام پیش بردند؟ هر دو باهم؟ این مهم است چون مستقل از اینکه تحلیلگر به چه سنتی فلسفی تعلق دارد، فاکت های هزاران بار منتشر شده در ویدیو کلیپها از همان هفته های اول نشان داد که "آنها" متعلق به موسوی با "آنها"یی که خیابانها را به صحنه یک اعتراض شکوهمند تبدیل کردند دو خواسته، دو هدف و دو دستور عمیقاً متفاوت و متضاد داشتند. موسوی و دارو دسته اش میخواستند به "دوران طلایی امام" بازگردند در حالیکه مبارزان باریکادها میخواستند همه آن عمارت کثیفی را که خمینی در راس جنبش اسلامی به یمن حمایت بیدریغ دول غرب بنیانش را ریخته بودن در هم بکوبند. (لابد ژئوک تصاویر سوختن تماشاها امام و خامنه ای را در آتش خشم انقلاب دیده است).

"فریادهای الله اکبر": اولاً فریادهای الله اکبر با سرعت خیره کننده ای از پشت باهما محو شد و به فریادهای مرگ بردیکتاتور تبدیل شد اگرچه تا مدتها این "فریاد" در گزارشهای بی بی سی و صدای آمریکا و امثال محسن سازگارا هنوز همچنان زمزمه میشد! ثانیاً، این سوال جا دارد که به چه دلیلی دارد فیلسوف سیاسی ما از میان این همه فریاد، مثلاً فریادهای مرگ بر احمدی نژاد و مرگ بر خامنه ای و حکومت اسلامی نمیخواهیم نمیخواهیم، فقط این یکی را خصلت نما میکند؟

"راه پیمایی سکوت": برجسته ترین شکل اعتراض ۸۸، راه پیمایی های عظیم با شعارهای علناً ضد حکومت اسلامی بود. راه پیمایی سکوت، تاکتیک سیاسی موسوی و شرکا بود که دقیقاً قصد داشت همین شعارها را در سکوت خفه کند که البته نگرفت و در میان طوفان خشم مردم به حاشیه رانده شد.

"تکرار انقلاب ۷۹ خمینی": انقلاب خمینی دیگر چه سیغه ای است؟ در سال ۷۹ (۵۷ شمسی) یک انقلاب داشتیم و یک ارتجاع. انقلاب مردم علیه نظام سلطنتی. ارتجاع خمینی (ارتجاع اسلامی) که وظیفه اش سرکوب همین انقلاب بود. انقلاب ۸۸ ادامه انقلاب ۷۹ بود و ارتجاع موسوی ادامه ارتجاع خمینی.

"خیزش مردمی اصیلی از طرفداران

مغبون شده انقلاب خمینی": در سال ۸۸ یک خیزش انقلابی بود و یک ارتجاع اصیل اسلامی ضد انقلابی که ظاهر اپوزیسیون به خودش گرفت. صف خیزش انقلابی را جوانان و زنان و کارگران تشکیل میدادند و صف ارتجاع اصیل اسلامی را موسوی و دارو دسته اش. اولیها ادامه دهندگان آرمانهای انقلاب ۵۷ بودند و دومیها مغبون شدگان ارتجاع خمینی. کسانی که زمانی خود ارگانهای قدرت را در دست داشتند و مغضوب شرکای سابقشان در قدرت شده بودند. آگاهانه تلاش شد با قصد تخریب جنبش انقلابی مردم از درون، این دو صف را با هم تداعی کنند اما نگرفت.

به نقل قول دیگری از همین مقاله دقت کنید که این تصویر ورونه را با صراحت بیشتری ارائه میدهد:

"... نام او (موسوی) مترادف بازدمیدن در رویایی عمومی است که انقلاب خمینی را به پیروزی رساند. حتی اگر این رویا یک "آرمانشهر" بود، باید در آن آرمانشهر اصیل انقلاب را جستجو کرد. این بدان معنی است که انقلاب ۱۹۷۹ خمینی را نمی توان به جریان تندروی اسلامگرایی که قدرت را در دست دارد تقلیل داد - این انقلاب بسی فراتر از آن بود. ... این حقیقت که چنین انفجاری باید خاموش می شد، گواه آن است که انقلاب خمینی واقعه سیاسی اصیلی بود، یک "گشایش" موقتی که نیروهای بی سابقه تغییر اجتماعی را آزاد می ساخت، لحظه ای که در آن "هر چیز ممکن به نظر می رسید". آنچه به دنبال آن واقع شد، بسته شدنی تدریجی بود که از طریق به دست گرفتن کنترل سیاسی توسط نظام اسلامی حاصل شد. به زبان فرویدی، باید گفت حرکت اعتراضی این روزها "بازگشت سرکوب شدگان" انقلاب خمینی است. اینجا هم با همان احکام قبلی مواجه هستیم. این جا هم ژئوک، انقلاب شکوهمند ۵۷ را با دیکتاتوری که در نقش سرکرده ضد انقلاب آن انقلاب را به خون کشید تداعی میکند. و به تبع آن، جنبش انقلابی ۸۸ را هم با نخست وزیر محبوب همان دیکتاتور تداعی میکند.

تردیدی نیست که اعتراض انقلابی ۸۸ بازگشت سرکوب شدگان انقلاب ۵۷ بود. یا بهتر است بگوییم بازگشت آرمانها و آرزوهای انقلاب ۵۷، اگر چه در مقطعی دیگر، با نیروهای اجتماعی وسیعتر، با آرمانهایی صریحتر، با تحرك نسلی که در انقلاب

۱۹۷۹ حتی پا به جهان نگشوده بودند. این تنها خطی است که جنبش انقلابی ۸۸ را به انقلاب ۵۷ ربط میدهد. جنبش انقلابی ۸۸ نشان داد که آرمانهای انقلاب ۵۷، با قدرت به میدان بازگشته است. نه انقلاب ۵۷ انقلاب خمینی بود و نه جنبش انقلابی ۸۸ را میتوان با نام موسوی مترادف دانست. برعکس، انقلاب ۵۷ با ضد انقلاب خمینی به خون کشیده شد. خیزش انقلابی ۸۸ هم همان وراثت خمینی را در مقابل خود یافت. با این تفاوت که در اولی، همه سران حکومت اسلامی که امروز به جان هم افتاده اند یکپارچه زیر عبای خمینی جمع بودند. در دومی، همه آنها در مقابل خیزش انقلابی مردم بودند اگر چه نقش متفاوتی ایفا میکردند. بخشا (به زعم ژئوک جریان تندروی اسلامگرا)

قدرت را در دست داشتند و از رویرو شمشیر میکشیدند و بخشا "مغبون شدگان حکومت اسلامی" (نه مغبون شدگان انقلاب خمینی) بودند که از درون جنبش انقلابی علیه اش شمشیر پنبه ای میکشیدند. اما این دو یک وجه مشترک داشتند: جلوگیری از سقوط گریه به دره. یکی با سرکوب جنبشی که گریه را میخواست به دره هل دهد. دیگری با نشان دادن دره زیر پای گریه به همان سرکوبگران. محض اطلاع ژئوک، اتفاقاً این دومیها خود را وارثان صدیق خمینی میدانند و ایرادشان به شرکای سابقشان این است که ته دره را نمی بینند و با حماقت خود زیر پای این گریه را خالی میکنند. روشن است که این همه احساس مسئولیت در قبال این گریه به این خاطر است که خود جزئی جدانشدنی از پیکرش هستند. میدانند که با سقوطش همه باهم سقوط خواهند کرد.

معترضین ۸۸ باید به چه زبانی حرف میزدند تا فلاسفه سیاسی عصر ما حالیشان میشد که مشکیشان با کلیت این گریه است و موسوی هم جزوی از آن است. آنها با صراحت تمام، همان چند هفته بعد از شروع اعتراضشان فریاد زدند "موسوی بهانه است، کل رژیم نشانه است" اما فیلسوف سیاسی ما اصرار دارد که نام موسوی را با آرمانهای اصیل انقلاب ۵۷ مترادف کند.

ژئوک ادامه میدهد: "آینده نامشخص است - بسیار ممکن است آنان که بر ابریکه قدرتشند جلوی انفجار توده ها را بگیرند، و گریه ما هم صفحه ۱۰

چند خبر از اعتراضات کارگری در ایران

کارگران قند و تصفیه شکر اهواز مقابل استانداری تجمع کردند

روز ۱۶ مرداد حدود ۹۰ کارگر کارخانه قند و تصفیه شکر اهواز در مقابل استانداری تجمع کردند. این کارگران از آذرماه سال گذشته تاکنون حقوق، عیدی و پاداش خود را دریافت نکرده‌اند. از همین رو کارگران با مشکل تمدید نشدن دفترچه های بیمه خود مواجه هستند.

تجمع اعتراضی کارگران مجتمع گوشت فارس

روز شنبه ۱۵ مرداد گزارش شده بود که روز یکشنبه کارگران مجتمع گوشت فارس که بیش از ۸۰ نفر را شامل می‌شوند از ساعت ۹ صبح مقابل استانداری فارس تجمع خواهند داشت. کارگران پلاکاردهایی مبنی بر اعتراض به ۱۸ ماه سردرآنده شدن، حقوق نگرفتن، بازنشسته شدن، شرمنده بودن

ژئوک و انقلاب در ایران...

به قعر دره سقوط نکند، بلکه دوباره خود را بر زمین استوار بیابد. در هر صورت، رژیم ایران دیگر نه همان رژیم قبلی، بلکه قدرت خودکامه فاسدی میان بقیه خواهد بود.

اولا، بسیار ممکن است آنان که بر اینکه قدرت هستند مجددا با انفجار توده ای مواجه شوند چون همه آن فاکتورهایی که منجر به این انفجار توده ای شد همچون سرجایش هستند. علاوه بر این، نه تنها بسیار ممکن است بلکه همه شواهد نشان می‌دهد که آنان که الان بر اینکه قدرت نیستند ولی قبلا بودند، یعنی موسوی و خاتمی و دار و دسته شان هم نتوانند سرفاجار توده ای رادیکال

از صفحه ۹

مردم شیره بمانند و انفجار توده ای باز گردد و "گریه ما"، که زمانی در قالب موسوی یکه تازی می‌کرد و امروز در قالب خامنه ای به ته دره سقوط کند. ثانيا، این ادعا دیگر بسیار سخیف است که اگر حکومت سقوط نکند "رژیم ایران دیگر نه همان رژیم قبلی، بلکه قدرت خودکامه فاسدی میان بقیه خواهد بود". برای "سرکوب شدگان" ضد انقلاب خمینی، برای معترضین ۸۸، "رژیم ایران"، یعنی همان جمهوری اسلامی، از همان اول، مخصوصا با نسل کشی سیاسی دهه ۶۰ و بعد از آن است که نقش يك رژيم "خودکامه فاسد" را ایفا کرده است. از همان موقع است که این رژیم، یک

از صفحه ۱۱

اقتصادی به تسمخ گرفته شدند، آنها در اساس سیاسی بودند. در آوریل ۲۰۰۸، یک شورش کوچک در شهر محله در اعتراض به قیمت نان صورت پذیرفت. نیروهای امنیتی شورش را در عرض دو روز سرکوب کردند، که حداقل سه کشته و صدها نفر دستگیر و شکنجه شده بر جای گذاشت. صحنه های آنچه که بعنوان "انتفاضه محله" شناخته شد میتوانستند صحنه های نمایش تمرین برای آنچه که در سال ۲۰۱۱ اتفاق افتاد باشند، که در آن تظاهرات کنندگان پوسترهای مبارک را پایین کشیدند، با نیروهای پلیس در خیابانها جنگیدند، و سمبلهای حزب دموکراتیک ملی مورد تنفر مردم را به مصادف طلبیدند. بزودی بعد از آن یک شورش مشابه در شهر البورولوس، در شمال دلتای نیل، صورت گرفت.

با آنکه این خیزشها فرونشاندند، کشور شاهد اعتصابات و تحصنها، و تظاهراتی تقریبا هر روزه توسط کارگران و فعالین اجتماعی در

انقلاب مصر از زبان یکی ...

پیروزی کارگران محله، که پوشش رسانه ای وسیعی را دریافت کرد، موجی از اعتصاب بخش نساجی را در بر گرفت، که کارگران در سایر کارخانه ها همان دستاوردهایی را درخواست می‌کردند که کارگران محله کسب کرده بودند. مبارزه جویی صنعتی سرعت به سایر بخشهای اقتصادی کشیده شد. تصاویر اعتصابات که هم توسط رسانه های اجتماعی و هم رسانه های اصلی پوشش داده شد به این معنی بود که میلیونها کارگر بتدریج میتوانستند بر ترس خود فائق آیند و اعتصاباتی را سازمان دهند که از اخبار پیروزی اعتصابات در سایر بخشها الهام میگرفتند. بعنوان يك روزنامه نگار که موج اعتصابات در سال ۲۰۰۷ را پوشش میدادم، مکررا از اعتصاب کنندگان میشنیدم که: "با شنیدن اتفاقات در محله تشویق به حرکت شدیم."

با آنکه این اعتصابات توسط برخی، بعنوان اعتصابات صرفا

بخاطر سفره خالی و تامین نکردن مایحتاج فرزندان خود آماده کرده بودند.

تجمع پرستاران بیمارستان خمینی در اعتراض به تبعیض در پرداخت کارانه

در خبرها آمده است که تعداد زیادی از پرستاران مجتمع بیمارستانی خمینی صبح روز ۱۵ مرداد در اعتراض به برآورده نشدن خواسته‌های خود در مقابل دفتر مدیریت بیمارستان تجمع کردند. تجمع کنندگان گفته اند: تبعیض در

"قدرت خودکامه فاسدی میان بقیه" بوده است و موسوی هم اتفاقا، نخست وزیر محبوبش بوده است. آیا ژئوک نمیداند موسوی و اصلاح طلبان اسلامی چه نقشی در پایه گذاری و تشبیت این حکومت داشته اند؟ فیلسوفی که در باره همه مسائل جهان، از دستورات اخلاقی اسلام در باره سکس گرفته تا ریاکاری نهفته در تبلیغات استار باکس در باره محیط زیست تا "ضد امپریالیسم" فیلم ۳۰۰ (نبرد اسپارتهها با شاه هخامنشی) اظهار نظر میکند نمیتواند اینقدر از مرحله پرت باشد.

ژئوک در مصاحبه ای، انتخاب میان قرص آبی و قرمز در فیلم ماتریکس را مثال میزند و میگوید که نباید حتما میان این دو قرص، انتخاب

مرکز قاهره و استانهای دیگر بود. کارگران معترض در بهار و زمستان سال ۲۰۱۰ محل اطراف مجلس را اشغال کردند که از طرف مقاله نویسان محلی بعنوان "هاید پارک قاهره" شناخته شد. (هاید پارک یکی از بزرگترین پارکهای شهر لندن است و قسمتی از آن به گوشه سخنرانان مشهور است. در اینجا هرکس که بخواهد میتواند بدون برنامه قبلی و اعلام شده آزادانه برای مردم حاضر سخنرانی کنند. پارکهای دیگری با همین نام در شهرهای کشورهای مختلف وجود دارد. وجود "گوشه سخنرانان" هم محدود به شهر لندن نیست. مترجم). این مبارزات اقتصادی و سیاسی هر روزه علیه دولت به این معنی بود که مشروعیت رژیم مبارک دارد فرسایش مییابد، البته اگر رژیم ابد مشروعیتی داشت.

نزدیکی های اکتبر ۲۰۱۰، قطعا چیزی در هوا بود. این يك امر عادی بود که آدم در سر راه خود به کار شاهد اعتصابی اینجا و آنجا باشد. کارمندان بخش دولتی که از اداره راهی خانه

پرداخت حقوق کارکنان مابین وزارتخانه‌های بهداشت و علوم از جمله موضوعات اعتراضی پرستاران است. پرستاران این بیمارستان از مدتها قبل بارها به صورت شفاهی مطالبات خود را مطرح کرده بودند. یک ماه قبل نیز در نامه‌ای که بیش از ۴۰۰ امضا داشت به وزیر بهداشت، رئیس دانشگاه علوم پزشکی تهران و سازمان نظام پرستاری، خواستار رسیدگی به حل مشکلات خود شده بودند. پرستاران به تبعیض بین کارانه خود و پزشکان اشاره کرده و گفته اند: پرستاران بیمارستان خمینی

میان توهم و واقعیت، یکی را انتخاب کرد و میتوان قرص دیگری انتخاب کرد. با این استعاره، به جهان سیاست نقب میزند و میگوید باید از انتخاب میان "فاندامنتالیسم اسلامی" و "لیبرالیسم غربی" فراتر رفت. اما وقتی همین تر را به ایران تسری میدهد سر از حمایت از موسوی در میاورد. میگوید که جستجوی ایشان برای قرص سوم علت اصلی حمایت قلبی اش از "موسوی و بقیه" است که گویا از یکطرف "در مقابل بنیادگرایی اسلامی ایستاده اند و از طرف دیگر لیبرال ساده لوح غربی هم نیستند." او در فستیوال مارکسیسم ۲۰۰۹، این تصویر را به نتیجه منطقی اش میرساند: "اما بحران درونی ایران این است که

زنی يك پلاک سوغاتی با تاریخ انقلاب مصر را در مرکز قاهره در دست گرفته است، اما دانه های خیزش بسیار پیشتر از ۲۵ ژانویه کاشته شده بود. (عکس از پیتر اندروز - روتیزر)

بودند از کنار فعالیتهای که اعتراض کوچکی در مرکز قاهره سازمان داده بودند میگذشتند. آنها نگاه می‌کردند ولی بندرت واکنش نشان میدادند. اما آنها شاهد نمایش هر روزه مخالفت بودند. در این میان تونس شورش کرد، یک دیکتاتور را سرنگون کرد، و مهمتر از آن، انقلاب از طریق تلویزیون برای میلیونها مصری و جاهای دیگر پخش شد. بیشتر از طریق تلویزیون الجزیره. این تنها یکی از کاتالیزورها بود. اتفاقات هر روزه وحشیگری پلیس کاتالیزورهای بسیار زیاد دیگری فراهم

۶ ماه است که کارانه خود را دریافت نکرده‌اند. در حالی که کارانه پزشکان ۱۰۰ تا ۵۰۰ برابر پرستاران است. این تجمع ساعت ۱۱ صبح بدون نتیجه خاصی به پایان رسید.

سومین روز تجمع اعتراضی کارگران فولاد میبد

روز ۲۰ مرداد جمعی از کارگران شرکت فولاد میبد به نمایندگی از ۵۰۰ کارگر این کارخانه در اعتراض به ده ماه دستمزد پرداخت نشده سومین روز تجمع اعتراضی خود در مقابل فرمانداری این شهر برپا کردند.

موسوی يك اصلاح طلب طرفدار غرب نیست بلکه يك انقلابی اصیل است. اگر ما توانیم این را تشخیص دهیم، کار ما زار است.

باید به ژئوک یادآور شد که اتفاقا کار کسی زار است که قرص سومش را در لسنجار اصلاح طلبان اسلامی جستجو کند. آنها هم در جامعه ای که تکان سیاسی نیروی سومش، جوانان و کارگران و زنان، الهام بخش نیروی سوم در سطح جهان شد. نیروی سومی که امروز پایتختهای سرمایه را در نوردیده است و دو جنبش ارتجاعی جهان را که برای مدت طولانی بشریت را در میان منگنه شان خرد میکردند انگشت به دهان کرده است. * ۱۰ آگوست ۲۰۱۱



میکرد. خیزشی که در ۲۵ ژانویه سال ۲۰۱۱ شروع شد نتیجه يك پروسه طولانی بود که طی آن دیوار ترس ذره به ذره فرو ریخت. کلید تمام قضیه این بود که عمل در زمین بطور تصویری به وسیعترین بینندگان ممکن منتقل شد. هیچ چیز به اندازه این به فرویزی ترس کمک نمیکند که آدم بدانند که کسان دیگری هستند، در جاهای دیگری، با اشتیاق یکسان برای رهایی، و شروع کرده اند به انجام عمل.*

انقلاب مصر از زبان یکی از فعالینش

حسام الحمالوی

ترجمه حبیب بکتاش



حبیب بکتاش

مقدمه مترجم

انقلاب یک پروسه است

انقلابها یکشنبه اتفاق نیفتادند، اگر چه گاهی چنین به نظر میرسند. از آسمان آبی هم نمی افتند. ساده و خطی هم نیستند. انقلابات یکی از پیچیده ترین نوع تحولات اجتماعی هستند که زمان طولانی برای رشد و شکوفایی لازم دارند، عوامل بسیار اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و روانی در آن دخیل هستند و به همین خاطر هم بسیار بگرنج بوده و مسیر پر پیچ و خمی را طی میکنند. در حالی که موش کور انقلاب مشغول نقب زدن است احاد و گروهها و احزاب به کار روزانه خود مشغول هستند و با کار هر روزه شان در رشد و نمو انقلاب دخالت میکنند بی آنکه از جزئیات تغییرات اجتماعی که بطور مداوم اتفاق می افتند و از نقش خود کاملاً آگاه باشند. درک اینکه انقلاب یک پروسه طولانی با پیچیدگیها و زیر و بم های فراوان است، برای فعالین سیاسی بسیار مهم است. کم نیستند پرونده هایی که زمین و زمان تیره و تار بنظر میرسند و ادامه مبارزه و پرتاتیک اجتماعی امری بیخود و بی نتیجه به نظر می آیند. درک پدیده انقلاب بعنوان یک پروسه اجتماعی، و نه بعنوان یک امر فوری و خودبخودی، به ما کمک میکند تا به اهمیت پرتاتیک هر روزه خود آگاه باشیم و برای دیدن اهمیت عمل خود و چند و چون تغییرات و تحولات اجتماعی چشم به ریشه ها و اعماق جامعه بدوزیم. به ما کمک میکند تا در شرایطی که جامعه آرام و ساکت بنظر میرسد و چشم انداز تحول انقلابی تاریک مینماید امید خود را بر زمین نگذاریم. به ما کمک میکند تا جایگاه پرتاتیک خود را در تحولات پیچیده اجتماعی بهتر بشناسیم و تغییرات لازم را به عمل آوریم.

حسام الحمالوی در این نوشته کوتاه و در عین حال جامع و سلیس

خود شما را به ده سال پیش میبرد که در آن اعتراضات توده ای با انتفاضه فلسطین در مصر شروع میشود و با شمردن فاکتورهای اساسی انقلاب مصر و نقطه عطفهای آن نشان میدهد که چگونه ترس مردم مصر قدم به قدم فرو میریزد و در ۲۵ ژانویه خشم فروخته کارگران و اقشار زحمتکش منفرج میشود و انقلاب عظیم و باشکوه مصر را به مردم مصر و تمام انسانهای دربند دنیا به ارمغان میاورد. انقلاب مردم ستمکشیده و زجر دیده ایران هم دارد مسیر پر پیچ و خم خود را طی میکند و یکی از همین روزها، در یک ۲۲ بهمنی، ۲۵ اکتبری، ۲۵ ژانویه ای، ۸ مارس، و یا اول ماه مه ی به بار خواهد نشست و رهایی انسان از کثافت، جنایت، و ستم مذهب، ناسیونالیسم، و استثمار انسان از انسان را به مردم ایران و همه مردم جهان به ارمغان خواهد آورد.

همراه با حسام الحمالوی به جزئیات انقلاب مصر و تحولاتی که به ۲۵ ژانویه منتهی شدند دقیق شویم.

انقلاب مصر ده سال در حال تکوین بوده است

در سالهای ۱۹۹۰ آدم نام مبارک را به سختی بیچ میگرد. از حرفهای سیاسی و جوک در مکالمات تلفنی صرف نظر میشد. امسال، میلیونونها مصری برای ۱۸ روز، در حالیکه شجاعانه به مصاف شلیک گاز اشگ آور و گلوله های پلاستیکی و گلوله های زنده توسط پلیس میرفتند، علیه دیکتاتور فرتوت خود جنگیدند. مردم مصر ترشان ریخته است اما این یک شبه اتفاق نیفتاد. انقلاب مصر، بجای اینکه در ۲۵ ژانویه از آسمان آبی بیافتد، نتیجه یک پروسه است که در طول دهه قبل در حال جوشش بوده است - یک واکنش زنجیره ای به اعتراضات پاییز سال ۲۰۰۰ در همبستگی با انتفاضه فلسطین.

حکومت مشت آهنین مبارک و شروع جنگ کثیف بین رژیم و شبه نظامیان اسلامی در سال ۱۹۹۰ به معنی مرگ اعتراضات خیابانی بود. تجمعات عمومی و اعتراضات خیابانی ممنوع شد و اگر اتفاق افتاد با سرکوب مواجه شد. اسلحه گرم علیه اعتصابات بکار گرفته شد. اتحادیه های کارگری تحت کنترل دولت قرار گرفتند.

تنها بعد از اینکه انتفاضه فلسطین در سپتامبر ۲۰۰۰ شروع شد، دهها هزار نفر از مردم مصر در اعتراض به

خیابانها ریختند - احتمالاً برای اولین بار بعد از ۱۹۷۷. با وجود اینکه این تظاهرات در همبستگی با مردم فلسطین بودند، بسرعت بعد برای رژیم پیدا کردند و پلیس برای فرونشاندن اعتراضات صلح آمیز به میدان آمد. اما رئیس جمهور بعنوان یک موضوع تابو باقی ماند و من بندرت شعارهای ضد مبارک شنیدم. بخاطر دارم که برای اولین بار که تظاهرات کنندگان بصورت توده ای علیه رئیس جمهور شعار میدادند آوریل سال ۲۰۰۰، در جریان شورشهای پروفلسطینی در اطراف دانشگاه قاهره بود. در حال نبرد با نیروهای منفور امنیت مرکزی تظاهرات کنندگان به زبان عربی شعار میدادند: "حسنی مبارک دقیقاً مانند آریل شارون است". با شروع جنگ عراق در مارس ۲۰۰۳ خشم مردم در ابعاد وسیعتری منفجر شد. بیشتر از ۳۰۰۰۰ مصری در مرکز قاهره با پلیس جنگیدند که طی آن میدان تحریر را مختصراً به تصرف خود در آوردند و تابلو مبارک را به آتش کشیدند.

صحنه هایی که توسط الجزیره و سایر شبکه های ماهواره ای از شورش مردم فلسطین یا حمله رهبری شده توسط آمریکا علیه عراق پخش شد الهام بخش فعالین در سراسر مصر شد تا دیوار ترس را خشت به خشت پایین بکشند. در سال ۲۰۰۴ بود که مبارزان پرو فلسطینی و ضد جنگ جنبش کفایه را برانداختند که رئیس جمهور و خانواده او را به مصاف طلبید.

با اینکه جنبش کفایه در ایجاد یک حرکت توده ای در میان کارگران و اقشار فقیر شهری شکست خورد، اما استفاده آن از رسانه های اجتماعی و اصلی به تغییر فرهنگ سیاسی در کشور کمک کرد. میلیونها مصری، در حالیکه در خانه هایشان نشسته بودند، میتوانستند فعالین جوان شجاعی را تماشا کنند که رئیس جمهور را به تمسخر میگرفتند و پرچمهای مزین به شعارهایی را به اهتزاز در می آوردند که یک دهه پیش غیر قابل تصور بود. در دسامبر ۲۰۰۶، کارگران در بزرگترین کارخانه نساجی در خارمیه، در شهر "محله" در دلتای نیل، وارد اعتصاب شدند. این حرکت بدنبال دو دهه آرامش در مبارزات صنعتی اتفاق افتاد که در اثر سرکوب و برنامه تهاجمی تئولیرال که حمایت IMF (صندوق بین المللی پول) و بانک جهانی را داشت بوجود آمده بود. بدنبال

صفحه ۱۰

از مانیفست جوانان غزه تا ...

از صفحه ۱۲

به خیابان می آیند تا اعلام کنند که اعتراض به وضع موجود فقط به کشورهای عربی محدود نیست. دیگر

این مردم، یعنی مردم اسرائیل و فلسطین و مصر و لیبی و سوریه به چه زبانی بگویند که با هم دشمنی نداریم، متحدین هم هستیم و به هم یاری میرسانیم، از هم می آموزیم و بر یکدیگر تاثیر میگذاریم؟ به چه زبانی بگویند که دشمنان مشترکی از اسلام منطقی سیاسی تا دولت نژادپرست اسرائیل و حامیان آمریکائی این دولت ها و نظام های فاسد حاکم داریم؟ به چه زبانی بگویند که با هم و دسته جمعی داریم شروع قرن بیست و یک را رقم میزنیم و با هم شروع یک دوره تاریخ مهم در این قرن را مینویسیم؟ به چه زبانی بگویند که حل مساله فلسطین در گرو تصفیه حساب با مرتجعین حاکم در هر دو سوی ارتجاع است؟

انقلابات و اعتراضات و شورش های دو سال اخیر در ادامه هیچ بخشی از جنبش های بورژوازی و احزاب اپوزیسیون بورژوازی نیست. علیه همه آنها است. علیه اسلام سیاسی و فرقه ها و احزاب و دولت های اسلامی، علیه محافظه کاران و لیبرال ها در غرب، علیه ناسیونالیست های همه جا، علیه طرفداران نسبیست فرهنگی و علیه چپ های پرواسلام و "ضدامپریالیست". زبان این انقلابات و اعتراضات به طور صریح سوسیالیستی و کمونیستی نیست و با این ترمینولوژی ها خود را بیان نکرده است، اما از همین جنس است. برای آزادی و رفاه و عدالت اجتماعی است. دفاع از حرمت و زندگی انسانی است. علیه بیکاری و نداشتن امنیت شغلی و تبعیضات مختلف اقتصادی و اجتماعی است، علیه بی حقوقی و فشارهای پلیسی و زندان و شکنجه، علیه بیحرمتی، علیه دخالت های پلیسی و بی ارج و قرب بودن اکثریت شریف و زحمتکش جامعه است. علیه فقری است که همه جا دهن باز کرده است. علیه پرت شدن از متن جامعه به حاشیه نامن تر آن است. در یک کلام علیه نظام سرمایه داری و مصائب آن و علیه حکومت های مرتجع و فاسد آن است. نفس بروز اعتراضات به شکل انقلاب نیز خود پدیده ای از جنس چپ است، از جنس مبارزه طبقه کارگر و مردم محروم، نه برای رفاه های بورژوازی، که

پلاتفرم های روشن سیاسی حیاتی است

مردم ابتکار را خیلی جاها بدست گرفته اند و میخوانند تغییرات زیر و رو کننده ای در زندگی شان صورت گیرد اما علیرغم اینکه به یمن همین انقلابات و اعتراضات از یک دهه قبل بسیار روشن تر و شفاف ترند اما هنوز به یک پرچم سیاسی و فکری روشن مجهز نیستند. پلاتفرم های روشن و اصول استراتژیکی کارسازی راهنمای آنها نیست. احزاب سیاسی بانفوذی از جنس کمونیسم کارگری رهبری این اعتراضات را ندارند و این نقطه ضعف مهم این جنبش ها است. و این پلاتفرم ها و استراتژی ها به حکم این مبارزات فقط کشوری نیست، منطقه ای است و حتی جهانی است. باید جبهه های این مبارزه علیه مذهب و اسلام سیاسی، علیه میلیتاریسم آمریکا و اسرائیل، علیه تئوری ها و توجیهات دست راستی را تعریف کرد و حول آن نیروی هرچه بیشتری به میدان آورد. این دوره میتواند و باید دوره عروج مجدد کمونیسم، کمونیسم کارگری و انسانی مارکس و منصور حکمت باشد. بشریت بیش از هر زمان به آن نیاز دارد.

اوت ۲۰۱۱

از مانیفست جوانان غزه

تا ... از صفحه ۱



اصغر کریمی

دیگر بس است! درد بس است، اشک بس است، رنج بس است، کنترل بس است، محبودیت، توجیه های ناموجه، ترور، شکنجه، بهانه، بمباران، شب های بیخوابی، غیرنظامیان مرده، خاطرات سیاه، آینده یاس آور، حال دردناک، سیاست آشفته، سیاستمداران خشک مغز، مزخرفات مذهبی، بس است! زندان بس است! ما می گوئیم بس کنید! این آینده ای نیست که ما می خواهیم! ما می خواهیم آزاد باشیم. می خواهیم یک زندگی نرمال داشته باشیم. صلح می خواهیم. اینها انتظارات زیادی است؟

اینها جملاتی از مانیفست جوانان غزه در ژانویه امسال است. گونی جوانان غزه این مانیفست را برای مردم تونس و مصر و لیبی و سوریه و بحرین و اسرائیل و حتی برای مردم آمریکا و انگلیس و فرانسه و یونان نوشته اند. کسی تصور نمی کرد که تنها چند هفته پس از انتشار این مانیفست مردم تونس به خیابانها بریزند و به حاکمان تبهکار و سرکوبگری که زندگی آنها را نسل اندر نسل سیاه کرده بودند بگویند درد و رنج و فقر و محرومیت و زندان و شکنجه و سیاستمداران خشک مغز نمی خواهیم. و چند ماه بعد همین را مردم مصر در میدان التحرير فریاد برزند و سپس مردم لیبی و سوریه و بحرین و عراق و مانیفست جوانان فلسطینی به فریاد اعتراض میلیون ها نفر در این کشورها تبدیل شود که خود برای پایان دادن به این مشقات به خیابانها ریخته اند و با قدرت میگویند بس است. و امروز جوانان غزه پژواک مانیفست خود را در میان صدها هزار نفر از مردم اسرائیل دیدند که میگفتند اینجا مصر است! چادر برپا کردند و علیه سیاستمداران خشک مغز و مزخرفات یک دولت مذهبی سرمایه داری بیخاستند و خواهان عدالت اجتماعی شدند. یکسال و نیم قبل از این مانیفست، مردم ایران بودند که

پیشقراول این انقلابات شدند و علیه حکومتی که در راس قطب تروریسم اسلامی قرار دارد و زندگی غیرقابل توصیفی را بر مردم تحمیل کرده است بیخاستند و خواهان سرنگونی آن شدند. خشم و نفرت علیه عفریت سرمایه و تبعیضات و محرومیت های آن در اعتراضات مردم یونان و فرانسه و اسپانیا و انگلیس نیز زیانه کشیده است.

از ایران تا کشورهای عربی، از فلسطین تا اسرائیل، از فرانسه و یونان تا اسپانیا مجموعه ای است که با حکومت ها و سیستم های سیاسی متفاوت، جهانشمولی این اعتراضات و ماهیت ضد سرمایه آنها را نشان میدهد. زمینه های اجتماعی اقتصادی این اعتراضات علیرغم همه تفاوت ها و علیرغم اینکه چگونه خود را بیان میکنند، و یا دیگران آنها را چگونه بیان میکنند، جوهر مشترکی دارد. سرمایه داری بویژه با تعمیق بحرانش چنان زندگی را برای مردم مشقت بار کرده است، چنان طبقه کارگر و اکثریت محروم جامعه را در چنگال کشیف خود مچاله کرده و مخصوصا چنان حال و آینده نسل جوان طبقه کارگر را سیاه کرده است، چنان بار کمرشکن بحران خود را به دوش مردم انداخته و فاصله اقلیت ثروتمند و اکثریت فقیر را در همه جا تشدید کرده است و چنان فجایع سیاسی و اقتصادی عمیق و گسترده ای به بار آورده است که همه جا کاسه صبر مردم را لبریز کرده است. در حالیکه دارائی سران حکومت های فاسد مصر و تونس و ایران و اقلیت طفیلی سرمایه دار سر به آمار نجومی میزند، اکثریت مردم این کشورها حتی قدرت خرید نان خالی برای سیر شدن را از دست داده اند. در کشورهای اروپائی، که زمانی بورژوازی به دولت های رفاه خود مینازید چنان در سه دهه اخیر به معیشت مردم هجوم برده اند که دیگر تحصیل در دانشگاه هم کم کم به امتیازی برای طبقات مرفه تبدیل میشود. سالها است که در این کشورها نیز نسل جوان طبقه کارگر، حساس ترین بخش جامعه، جز خشم و نفرتی تلنبار شده از سیستم، از حکومت، از پلیس، از بازار، از مالکیت، ندارد. بخش اعظم جوانان حتی در غرب هم امروز در حسرت یک شغل معمولی باثبات میسوزند چه رسد به طبقه کارگر و

جوانان این طبقه در کشورهای به اصطلاح جهان سوم. این خشم تلنبار شده باید جایی منفجر میشد و شروع به انفجار کرده است.

ده سال قبل منصور حکمت به درستی گفت: "رسانه ها سیمایی ایدئولوژیکی و معنوی واقعی جهان را منعکس نمیکنند. روایت خود را میگویند، روایت حاکم، روایت طبقه حاکم. روایتی که بدرشان میخورد. میلیتاریسم، تروریسم، راسیسم، قوم پرستی، فتنایسم مذهبی و سودپرستی، در صدر اخبارند، اما در عمق ذهن اکثریت مردم دوران ما جایی محکمی ندارند. یک نگاه ساده به دنیا، نشان میدهد که توده های وسیع مردم جهان از دولتها و رسانه ها چپ ترند، نودوست ترند، صلح دوست ترند، مساوات طلب ترند، آزاد ترند، آزادیخواه ترند. مردم در دو سوی این کشمکش ننگین، تمایلی به سواری دادن به سران بورژوازی ندارند."

و همانجا نوشت که این دورنما محتم نیست. صحنه به دو سوی این جدال محدود نیست. یک نیروی سوم، یک غول خفته، وجود دارد که میتواند ورق را برگرداند. این دوره میتواند این غول بیدار شود، سر آغاز تحولات مثبت و تحقق آرمانهایی در جهان باشد که بشریت در دهه های آخر قرن بیستم دیگر از آن قطع امید کرده بود. کمتر از یک دهه پس از این تحلیل درخشان، این غول خفته بیدار شده و توده های محکمی به رسانه ها و هیئت های حاکمه ها و مفسران و مبلغان و آکادمیست های آنها زده است. چنان به آنها توده های زده که رئیس جمهور آمریکا مجبور میشود هیئت حاکمه این کشور را حالی کند که باید بهار عربی را بفهمند! منظور این است که حمایت از بن علی ها و مبارک ها دیگر عملی نیست، مردم دیگر به ما اجازه هر غلطی نمیدهند و اگر این دوره را نفهمیم و همچنان به شیوه زمخت از دیکتاتورهای در حال سقوط و نظام هائی که خود به شکل گیری و تداومشان کمک کرده ایم، حمایت کنیم ضربه محکم تری میخوریم و کیسینجر این استراتژیست بورژوا با اشاره به سقوط حسنی مبارک، از فروریختن دیوار برلین کمپ سرمایه داری بازار آزاد صحبت میکند. قدرت این اعتراضات، که همه میدانند هنوز در نقطه شروع خود قرار دارد، تا همینجا

چنان محیرالعقول بوده است که رسانه های دست راستی را هم وادار کرده است به زبان دیگری حرف بزنند و حتی در انگلیس که طغیان به شکل حمله به فروشگاهها خود را بروز داد از زمینه های اجتماعی و حمله بورژوازی به زندگی مردم و حاشیه ای شدن میلیون ها نفر از مردم فقیر و تحقیر هرروزه توسط پلیس این کشور صحبت کنند. دیگر نه تبیین ها و تئوری های حتی دو سال قبلشان به دردشان میخورد، نه درس های قبلی دانشگاهی شان، نه تاکتیک های دو سال قبلشان و نه بقول حمید تقزائی سخنرانی های دو سال قبل روسای جمهورشان.

پایان تاریخ یا شروع یک تاریخ؟

امروز اگر اسرائیل در صدر اخبار جهان قرار گرفته است نه بخاطر بمباران مردم فلسطین توسط دولت اسرائیل بلکه بخاطر حضور صدها هزار نفره مردم علیه این دولت است. اگر حسنی مبارک در راس اخبار جهان است به این دلیل است که انقلاب مردم او را به صحنه دادگاه آورده است و اگر کشورهای سوریه و لیبی در صدر اخبارند نه به دلیل بده و بستان های دولت ها و جریانات ارتجاعی بلکه بدلیل انقلاب مردم عاصی از این دولت ها است. و صرفنظر از اینکه هرکدام از این اعتراضات و فوران جهانی خشم مردم به کجا بینجامند، به پیروزی برسد یا میانه راه متوقفش کنند، اما تا همینجا چهره خاور میانه و شمال آفریقا و صحنه سیاسی جهان را بشدت عوض کرده است. یک فعال سوسیالیست مصری میگوید جنب و جوشی که در میان کارگران پا گرفته به معنی این است که انقلاب بطور واقعی در مصر شروع شده است. دوره ای که فقط توسط مفسران و ایدئولوگ های طبقه حاکم تاریخ نویسی میشود، به دست "آهتین" مردم سپری شد. حالا

تزه های دانشگاهی شان را هم باید عوض کنند. دیوار برلین که فرو ریخت پایان تاریخ را اعلام کردند و گفتند دنیا همین است. قبول کنید. اکنون به یمن مبارزه مردم در ایران و مصر و سوریه آقای کیسینجر باید اعلام کند که دیوار برلین ما فروریخت. یعنی تئوری های پایان تاریخ آنها هم فروریخت و شروع یک دوره مهم تاریخی دیگر اعلام گشت. دوره ای که با انقلابات و اعتراضات وسیع توده ای شروع شده است. دوره ای که نقطه عطفی مهم در تاریخ بشریت را رقم میزند.

پلی میان فلسطین و اسرائیل،

پلی میان همه مردم

مانیفست جوانان غزه که سرشار از نفرت از حماس و الفتح و دولت اسرائیل و آمریکا و سازمان ملل یعنی مسببین وضعیت تیره و تار آنها است، در عین حال دراز کردن دست دوستی بود به طرف مردمی که چند کیلومتر آنطرفتر زیر دست و پای نتانیاهوها دست و پا میزند. در هفته گذشته صدها هزار نفر از مردم اسرائیل به این مانیفست پاسخ مثبت دادند و دست جوانان غزه را فشردند. به شیوه سمبلیکی اعلام کردند که "اینجا مصر است"، و در واقع مبارزه ما از همان جنس مانیفست جوانان غزه است، رنگ مذهب ندارد، علیه دولتی است که شما را به خاک و خون میکشد. به خیابان آمدند تا درد مشترک، دشمن مشترک و سرنوشته مشترک با "عربها" را اعلام کنند. جالب است موقعی که سرکوبگران در تونس مشغول سرکوب مردم اند مردم مصر بلند میشوند و موقعی که مردم مصر را سرکوب میکنند مردم سوریه و لیبی دست به انقلاب میزنند و زمانی که از "بهار عربی" صحبت میکنند مردم اسرائیل

صفحه ۱۱

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: کاظم نیکخواه

kazem.nikkhah@gmail.com

دستیار سردبیر: شهاب دانشفر

هماهنگ کننده صفحه بازتاب: بهروز مهرآبادی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!